



انترناسیونال ۴۲۸

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه ۴ آذر، ۲۵ نوامبر ۲۰۱۱

www.m-hekmat.com

سردبیر: کاظم نیکخواه Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com جمعه ها منتشر میشود

انتخابات یا انقلاب؟

گفتگوی تلویزیون کانال جدید با مصطفی صابر
در مورد حمله به روزنامه ایران و "جریان انحرافی"

حمید حقشناس: مصطفی صابر
دیروز ماموران دادستانی تهران به
دقتر روزنامه ایران حمله کردند و
قصد داشتند اکبر جوانفکر را که
مشاور احمدی نژاد و مدیر عامل
خبرگزاری ایرنا هست دستگیر کنند.
کاز اشک آور انداختند، درگیر شدند و
در آخر هم به ظاهر حکم دستگیری
ایشان لغو شده، ماجرا از چه قرار
است آیا هجوم مخالفین احمدی نژاد
به "جریان انحرافی" شروع شده؟
صفحه ۴

مصر در کوران یک انقلاب واقعی

کاظم نیکخواه
"در مقایسه با فوریه و
سرنگونی مبارک این خیلی
بیشتر رنگ انقلاب دارد. این یک
انقلاب واقعی است. مردم
خواهان تحولات اساسی هستند.
معترضین نه فقط علیه نظامیان
بلکه حتی علیه اپوزیسیون
صفحه ۲

پیام حمید تقوایی بمناسبت
بیستمین سالگرد تشکیل حزب

جهان بپا خاسته به کمونیسم کارگری نیازمند است



بیستمین سالروز تشکیل حزب کمونیست
کارگری ایران را به کارگران و به همه مبارزین
راه آزادی و سوسیالیسم تبریک میگویم.
حزب ما در شرایطی تشکیل شد که
بدنبال فروپاشی بلوک شوروی، بورژوازی
جهانی حمله همه جانبه ای را به کمونیسم و
آرمانهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه
کمونیستی آغاز کرده بود. ورشکستگی
سرمایه داری دولتی در شوروی را بپای
کمونیسم و سوسیالیسم نوشتند و ارتجاعی

قطعنامه های تازه علیه جمهوری اسلامی و انزوای بیشتر رژیم

بهرروز مهرآبادی
حلقه ها بر جمهوری اسلامی
تنگ تر می شود. روز جمعه ۲۷ آبان
ماه مجمع عمومی سازمان ملل
قطعنامه مطرح شده از طرف
عربستان سعودی بر علیه جمهوری
اسلامی را با ۱۰۶ رای موافق و ۹
رای مخالف تصویب کرد. در بین
قطعنامه های مجمع عمومی این
تعداد بیشترین آرای مخالف رژیم
حاکم بر ایران است. روز ۳۰ آبان به
صفحه ۳

"علیا"، پرچمدار انقلابات ناتمام و خواسته های "کوچک" و انسانی!

هادی وقفی
بیش از یک هفته است که
"علیا ماجده المهدی" دختر جوان،
دانشجو و آزاده مصری، عکسی
از بدن برهنه اش را بر روی صفحه
وبلاگش قرار داده و با آنچه که
صفحه ۹

جنبش دفاع از علیا ماجده المهدی در سراسر جهان او به قلب جنبش اسلامی حمله کرده است!

میانا احدی، مریم نمازی، صفحه ۷

انقلاب مصر و چالشهای پیش رو

محمد آسنگران، صفحه ۱۲

صفحات دیگر

از "بن اول" تا "بن دوم!"
تقلاهای ارتجاعی دولت آمریکا و جریانات اسلامی
برای شکل دادن به آینده افغانستان محکوم است!
صفحه ۸

ترور نویسنده آذربایجانی با فتوای سران جمهوری
اسلامی، صفحه ۸

گزارش شرکت حزب کمونیست کارگری در فروم
سوسیالیستی در استکهلم سوئد
صفحه ۸

دادگاه تجدید نظر جمهوری اسلامی احکام صادره
برای فعالین کارگری و دانشجویی تبریز را تایید
کرد، صفحه ۱۱

وضعیت جسمی رضا شهابی وخیم است

صفحه ۱۱

سه خبر از اعتراضات کارگری در ایران، صفحه ۱۰

جوانفکر و باندهای حکومت

شهلا دانشفر، صفحه ۱۰

بازتاب هفته

رویدادهای منطقه در یک نگاه!

محمد شکوهی

کارگران یونان از کارگران پرتغال اعلام
حمایت کردند

شهلا دانشفر

جنگی که خونین میشود

دولت جدید در اسپانیا و مشخص شدن
صف بندی ها

بهرروز مهرآبادی

صفحات ۶-۵

صفحه ۳

ضمیمه انترناسیونال ۴۲۸
به مناسبت بیستمین سالگرد
تشکیل حزب کمونیست کارگری
ایران به سردبیری محسن ابراهیمی
بزودی منتشر میشود

بیانید با هم
بیستمین
سالگرد
تشکیل حزب
کمونیست
کارگری ایران را
جشن بگیریم!
www.wcpiran.org
www.m-hekmat.com
شنبه ۲۶ نوامبر
همسفران سلامت ۱۹-۲۳
استکهلم

مصر در کوران یک ... از صفحه ۱ کاظم نیکخواه



ارائه داد. (بعدا در جایی ندیدم که خبر هو کردن سخنگوی اخوان المسلمین توسط بی بی سی انعکاس داده شده باشد.)

بازگو کردن تحولات يك انقلاب کار ساده ای نیست. هر لحظه اتقاق تازه ای می افتد و خبرهای قبلی را کهنه مینماید. اما تحولات این دو سه روزه در مصر ماندنی خواهد بود و بر آینده مصر و کل منطقه تاثیراتی عمیق خواهد گذاشت. دو رویداد بسیار مهمند. یکی اینکه انقلاب این بار ارتش را که ستون فقرات تمام سیستم های کهنه و ارتجاعی است نشانه رفته است و مصمم است نظامیان را به زیر بکشد. دیگر اینکه بقول خبرنگار بی بی سی "اپوزیسیون سنتی" که اینجا بیش از همه منظور "اخوان المسلمین" است دارد آماج انقلاب واقع میشود و در صفوفش شکاف افتاده است.

ارتش باید سرنگون شود

خیلی ها وقایع این روزها در مصر را انقلاب دوم مینامند. برخی آنرا "انقلاب واقعی" میخوانند. و برخی به آن "فاز دوم انقلاب" مصر میگویند. اما همه کس توافق دارد که این انقلاب هر نامی که روی آن گذاشته شود، جدی تر و عمیق تر از انقلاب در ماه ژانویه و فوریه است که به سرنگونی مبارک انجامید. شواهد و اخبار حاکی از این است که مردم "تحولاتی اساسی" میخوانند و این را مشخصا بر زبان می آورند. و در سروهه این تحولات اساسی کنارزدن ارتش از قدرت قرار دارد. "طنطاوی باید برود. ارتش باید گوش را گم کند. ژنرالها باید بروند. آنها بخشی از سیستم حاکم بوده اند و باز هم آنها هستند که قرار است در مورد آینده بعد از انقلاب ما تصمیم بگیرند." این حرف هرروزه جوانان و مردمی است که در میدان التحریر قاهره جمع شده اند. اما تجمعات و تظاهرات فقط به قاهره و میدان التحریر محدود نیست. اسکندریه، بندر پورت سعید، سوئز، اسماعیلف و برخی شهرهای دیگر نیز مرکز تظاهرات و درگیری و جنگ و گریز است. بویژه در اسکندریه مردم در اطراف یادگان تجمع کرده و علیه ارتش شعار میدهند و به سوی آنها سنگ و کوکتل مولوتف پرتاب

است و هیچ شانس موفقیت برای این انتخاب وجود ندارد.

راه دیگر کنار کشیدن کامل از ارگانهای دولتی و عقب نشستن به پادگانهاست. این يك انتخاب واقعی در شرایط کنونی است. اما خلاء قدرتی که پیش می آید میتواند برای ارتش و نظام حاکم خطرناک باشد. اگر شورای عالی نظامی از قدرت کنار برود یعنی در واقع سرنگون شود سوال اینست که چه ارگانی جای آنرا میگیرند. در این مورد مثل همه انقلابات صفوف انقلاب تصمیم میگیرند و دولتی را تعیین میکنند. اما بازم این مساله روی میماند که ارتشی ها باید تکلیفشان روشن شود. آیا سران ارتش محاکمه میشوند؟ آیا ارتش به همان شکل قبل اداره میشود؟ آیا ارتش منحل میشود؟ در هر حالت آینده جالبی در انتظار سران ارتش خواهد بود. بنابراین سران ارتش خود حاضر به انتخاب چنین سرنوشتی نیستند و در برابر آن مقاومت خواهند کرد. راه سوم سازش با جریان اخوان المسلمین و بورژوا لیبرالهایی نظیر البرادعی و امثال او و سرهم بندی کردن يك "دولت موقت" است که حافظ نظام حاکم باشد و در عین حال با حکومت قبلی مستقیما تداعی نشود. . با این امید که این تاکتیک مردم را بخانه بفرستد و یا حداقل در صفوف انقلاب شکافی جدی ایجاد کند. بسیار محتمل است که جبهه بورژوازی چنین طرحی یا چیزی شبیه به آنرا جلوی انقلاب بگذارد. خبرها حاکی از این بود که به البرادعی نیز پیشنهاد نخست وزیری و تشکیل کابینه را داده اند و او به نحوی چراغ سبز داده اما بعدا با حادتر شدن اوضاع مردم شده است. اما این راه حل نیز با توجه به اینکه لازمه اش سازش سه جریان ناهمگون یعنی ارتش و اخوان المسلمین و لیبرالهاست، سرنوشتی بهتر از حکومت "شورای عالی نظامی" نخواهد داشت و با اولین فشارهای انقلاب از هم خواهد گسست. اما در شرایط کنونی بورژوازی راه حل بهتری مقابل انقلاب مردم ندارد. احتمال بیشتر اینست که این راه را در پیش میگیرند و شکست میخورند و به راه حل دوم یعنی استعفاي جمعی عقب رانده میشوند.

معمولترین راهی که ارتشی ها با آن آشنا هستند حمله و تعرض و سرکوب است. کاری که این روزها بدرجائی آنرا آزمایش کردند و بیش از ۳۰ نفر از معترضین را به قتل رساندند. اما همین تجربه و کلا اوضاع سیاسی مصر و فضای بین المللی این را میگوید که دست زدن به تعرض برای ارتشی ها يك خودکشی است. نه فقط مردم مصر و منطقه بلکه کل افکار عمومی دنیا علیه هر گونه تعرض به انقلاب مردم هستند. تا همینجا نیز جنایات آنها خشم مردم را برافروخته است. بهررو این راه بنظر من برای ارتش مصر تماما بسته

اخوان المسلمین قافیه را باخته است

تا چندی پیش اخوان المسلمین

بزرگترین امید بورژوازی برای مهار انقلاب و حفظ اوضاع مصر تلقی میشد. اما با شروع انقلاب معلوم شد که این جریان در مقابل انقلاب چیزی در چنته ندارد. گرچه سازمان و حزبی در راس انقلاب نبود و نیست و خواستههای فرموله و روشنی طرح نشده است، اما از همان ابتدا مضمونی اساسا چپ و رادیکال و مدرن داشت. جریان اخوان المسلمین به دلایلی قابل فهم در انقلاب مصر نقشی ایفا نکرد و فقط تلاش کرد از فضای انقلابی برای زد و بند و گرفتن امتیاز و سهم شدن در قدرت استفاده کند. اینها درست در جبهه جبهه انقلاب با برخی مقامات حکومت مبارك وارد دیالوگ شدند، بعد از قطعی شدن سرنگونی مبارك با عمر سلیمان معاون مبارك و رئیس سازمان اطلاعات مبارك شروع به مذاکره کردند، بعد زیر فشار انقلاب تظاهراتهایی را در روزهای جمعه و با حالت اسلامی فراخوان دادند و تلاش کردند به انقلاب رنگ اسلامی بزنند اما نتوانستند، بعد از عمر سلیمان به حمایت از شورای نظامی و حکومت طنطاوی پرداختند. تا همینجا روشن بود که اینها امکان کنترل انقلابی را که خود عملا از آن فاصله گرفته اند ندارند. اما این دو سه روز اخیر با شروع دور دوم انقلاب، اخوان المسلمین بزرگترین ضربات را از انقلاب متحمل شده است. حتی در صفوف خودش بطور جدی شکاف افتاده است و جوانان زیادی رسما خود را بریده از اخوان المسلمین مینامند. این جریان تمام تلاشش اینست که هرچه زودتر انتخابات شود و احتمال میدهد که اکثریت بیاورد و اوضاع را بدست بگیرد. نیروی انقلابی و سکولار و کارگری مصر هم این را میدانند و میخواهد جلوی آنرا بگیرد. هو کردن سخنگوی این جریان در میدان التحریر يك رویداد سمبلیک از موقعیتی است که این جریان در میان انقلابیون پیدا کرده است. دو خبرنگار الجزیره از یکی از سران اخوان المسلمین پرسید "تظاهر کنندگان میگویند اخوان المسلمین اعتبار خود را از دست داده و ابتکار عمل را نیز تماما از دست داده است. در این مورد چه میگوید" این سوال گویای واقعیتهای جدی ای بود. شخص مزبور ادعایی را که در این سوال بود را انکار نکرد بلکه پاسخ داد "ما به شیوه خودمان سعی

میکنیم پیامان را به گوش شورای نظامی برسانیم و تظاهر کنندگان به شیوه تظاهرات و اعتراضات خیابانی. هر دو يك چیز میخواهیم اما آنها فکر میکنند ما کار دیگری میخواهیم بکنیم" (نقل به معنا) خبرنگار گاردین نیز دیروز چهار شبه این طور گزارش داده است: "رهبری اخوان المسلمین علیه اعتراضات موضع گرفته است. این يك موضع بسیار بد و نسنجیده بود. آنها اکنون بعنوان نیرویی تلقی میشوند که در کنار شورای نظامی و علیه مردم ایستاده اند. این باعث شده است که در صفوف خودشان هم شکاف بیفتد. برخی اعضای اخوان المسلمین از سیاست و دستور این جریان سرپیچی کرده اند و به عقل خود گوش داده و به صف معترضین پیوسته اند. از سوی دیگر اخوان المسلمین دیگر نمیتواند ادعا کند که شمار (زیاد) تظاهر کنندگان در خیابانها بخاطر اسلامیتهاست. مردمی که ما در خیابانها از روز شبه به بعد می بینیم اکثرا دیگر ربطی به اخوان المسلمین ندارند".

بعبارت دیگر انقلاب نه فقط از ارتش بلکه از اخوان المسلمین هم عبور کرده است. اینها حتما هنوز هم ظرفیتهای زیادی برای سنگ اندازی بر سر انقلاب مردم دارند. مخصوصا با توجه به اینکه جبهه چپ و کارگری و سکولار حزب و سازمان و برنامه مدون و شفاف ندارد، جریانی سنتی مثل اخوان المسلمین که بخشهای زیادی از بورژوازی را نیز پشت سر خود دارد، میتواند موانع زیادی ایجاد کند. اما اتفاق مهمی که افتاده اینست که این جریان نه بعنوان بخشی از انقلاب بلکه بعنوان بخشی از نظام و طبقه حاکم که مقابل انقلاب مقاومت میکند تلقی میشود. و همین حقیقت ساده باعث میشود که علیرغم امکانات زیاد و پول و تشکل و دوستان قدرتمند بین المللی که دارد، امکان کمی داشته باشد که انقلاب را به شکست بکشاند. این احتمال هست که اینها به کمک ارتش و لیبرالها بتوانند وقفه هایی جدی بر سر پیشروی نیروهای انقلابی ایجاد کنند، اما بعید است که بتوانند در دراز مدت بر اوضاع مسلط شوند. این آن چیزی است که ما از مدتها پیش بر آن تاکید کردیم و سیر رویدادها دارد آنرا تا حد زیادی تایید میکند.*

منتشر شد



به مناسبت بیستمین سالروز تشکیل حزب کمونیست کارگری، کتابی در قفسه بزرگ در ۲۷۰ صفحه شامل کلیه مصوبات کنگره ها، پلنوم ها و نشست های دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری در بیست سال گذشته از بدو تشکیل حزب در نوامبر ۱۹۹۱ (۱۳۷۰) تا امروز منتشر شد.

این کتاب مجموعه اسناد مصوب حزب و انسجام نظری و سیاسی کمونیستی کارگری حزب در دو دهه گذشته را نشان میدهد و سند جامعی است برای همه علاقه مندان که میخواهند مباحث و مصوبات کنگره ها، پلنومهای کمیته مرکزی و نشستهای دفتر سیاسی را دنبال کنند و از سیاستهای حزب در دو دهه گذشته مطلع شوند.

مطالعه این کتاب را به کسانی که مایلند آشنائی بیشتری با حزب کمونیست کارگری داشته باشند و همینطور فعالین حزب که مایل به درک عمیق تری از سیاست های حزب در هر دوره میباشد، توصیه میکنیم. برای تهیه این کتاب میتونید از طریق واحدهای حزب و یا تماس با دفتر مرکزی حزب تهیه کنید.

آدرس دفتر مرکزی: markazi.wpi@gmail.com

نیرو و حزب سیاسی است که این نقد خیابانی ضد سرمایه داری را نمایندگی کند، یک دنیای بهتر" را در برابر منجلاب امروز سرمایه داری در همه جا قرار بدهد و مردم معترض به وضع موجود را بدور پرچم سوسیالیسم گرد آورد. مهمترین کمبود و ضعف انقلابات در مصر و دیگر کشورهای منطقه و همچنین جنبش ضد سرمایه داری نود و نه در صیدها در آمریکا و کشورهای غربی غیبت چنین احزابی در دل تحولات جاری است. این شرایط در عین حال زمینه های شکل گیری و قد علم کردن چنین نیروها و احزاب سیاسی را بیش از پیش فراهم کرده است.

اعتراضات و انقلابات امروز دنیا بیش از هر زمان دیگری بر ضرورت وجود و حضور یک حزب کمونیستی فعال، دخالتگر، ماکسیمالیست، مدرن، رادیکال، و عمیقاً انسانگرا تاکید میکند.

منصور حکمت بیست سال قبل چنین چیزی را پایه گذاشت و امروز دنیا، از نیویورک تا قاهره، و از آتن تا تهران و تل اوپو، کمونیسم نوع ما و حزبی مانند حزب ما را به میدان فرامیخواند.

بیستمین سالروز حزب را با تداوم و تشدید و گسترش مبارزه علیه سرمایه داری در ایران و در جهان و در همه عرصه ها گرامی میداریم. حمید تقوایی دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

۲۳ نوامبر ۲۰۱۱، ۲ آذر ۱۳۹۰

جهان بپا خاسته به کمونیسم کارگری ... از صفحه ۱

تربین و سخیف ترین حملات را به هر چه نشانی از آزادیخواهی و برابری طلبی و انسانیت داشت آغاز کردند. تشکیل حزب کمونیسم کارگری پاسخی عملی و تعرضی به این هیاهوی ضد کمونیستی و کلا فضای ارتجاعی حاکم بر دنیای پس از فروپاشی دیوار برلین بود. در شرایطی که میخواستند دنیا را بقول منصور حکمت "بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم، و بدون 'خطر' سوسیالیسم" به منجلاب بکشند، حزب کمونیست کارگری فراخوان و امید و "خطر" سوسیالیسم را زنده نگاهداشت و پرچمدار بازگرداندن اختیار به توده عظیم انسانهایی شد که در انقیاد نظم نوین جهانی له شده و از ابتدائی ترین حقوق خود محروم شده بودند.

کارنامه بیست ساله حزب کارنامه جنگی بی امان و پیگیر علیه ارتجاعی ترین دولتها و جنبشها و نیروهای سیاسی بورژوازی است که در این دوره سیاه در ایران و در سطح جهان افسار گسیخته و بجلوی صحنه رانده شدند. مبارزه بی امان و پیگیر برای بزرگ کشیدن جمهوری اسلامی بقدرت انقلاب مردم، نقد و افشای همه جریانات سیاسی اپوزیسیون و شبه اپوزیسیون که به نحوی خواستار حفظ حکومت اسلامی با اندک تغییراتی بودند، سازماندهی کمیتههای قدرتمند جهانی در حمایت از اعتصابات و مبارزات کارگری در ایران، علیه سنگسار و اعدام و در

امروز بیست سال پس از فروپاشی دیوار برلین، جهان به استقبال نقد و اعتراض و برنامه و آلترناتیوی میاید که حزب ما در نظر و در عمل نمایندگی میکنند. پایه های نظام سرمایه داری در همه جا در حال فرو ریختن است. از انقلاب پیگیر در مصر تا جنبش ضد سرمایه داری نود و نه در صیدها و تا انقلابی که در کمین جمهوری اسلامی نشست است، همه جا زیر و رو کردن نظم سرمایه داری عملاً در دستور روز مردم بپاخاسته قرار میگیرد. جهان نیازمند رهبر و سخنگو و

قطعه نامه های تازه علیه ...

پیشنهاد دولت کانادا قطعنامه دیگری در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران به رای گذاشته شد که با ۸۶ رای مثبت مورد تصویب قرار گرفت. این تعداد بیشترین آرای است که در محکومیت جمهوری اسلامی بخاطر نقض حقوق بشر، داده شده است. بدنامی رژیم رو به افزایش است و بسیاری از دولت ها دیگر جرئت نمی کنند در کنار جمهوری اسلامی قرار بگیرند. قطعنامه ارائه شده از طرف عربستان سعودی در رابطه با دست داشتن جمهوری اسلامی در طرح ترور سفیر این کشور در آمریکا تهیه شده بود. تصویب این قطعنامه عملاً رژیم را تروریست معرفی کرده و مسئول طراحی عملیات ترور می

انجام عملیات تروریستی در نقاط مختلف دنیا وجود دارد، میلیونها سند و مدرک از جنایات این رژیم در مورد مردم ایران منتشر شده است. آیا این اسناد برای طرد جمهوری اسلامی از کلیه مجامع بین المللی و تحت پیگرد قرار گرفتن سران آن بخاطر جنایت ها و جرائم مختلف، کافی نیست؟ تلاش هر انسان شریف و آزاده و مخالف تروریسم اسلامی و حکومت اسلامی باید این باشد که مردم جهان دولت آنها را زیر فشار بگذارند که به ماماشات با این حکومت پایان دهند، این حکومت را برسمیت نزنند، سفارتخانه هایش را ببندند، و آنرا از مجامع بین المللی بیرون کنند.*

اسلامی بخاطر سرکوب و جلوگیری از اعتراضات مردم مدام به سببیت خود می افزاید. دولت هایی نظیر چین، روسیه، ترکیه با کسب سود های هنگفت و انجام معاملات با رژیم، به کم شدن فشار تحریم ها بر آن، کمک می کنند. جمهوری اسلامی تلاش خود را برای دستیابی به سلاح های کشتار جمعی پنهان نمی کند و ظرفیت خود برای استفاده از این سلاح ها را نشان داده است. قطعنامه های محکومیت جمهوری اسلامی در مجامع بین المللی هر چند انزوی بیشتر رژیم را نشان می دهد اما پاسخی به خواسته های مردم ایران نیست. دهها پرونده در مورد دخالت مستقیم این رژیم در

دیگر از جمله بریتانیا، کانادا، فرانسه، ایتالیا، استرالیا و هلند نیز به این تحریم ها پیوسته و جمهوری اسلامی را از سیستم های مالی خود کنار گذاشتند. دولت سوئیس هم نام ۱۱۶ نفر دیگر از مسئولین و نهاد های جمهوری اسلامی را در لیست تحریم های خود قرار داد. تحریمهای اقتصادی یک سیاست دو لبه است. محکومیت جمهوری اسلامی و شدت گرفتن تحریم ها بر بستر انزجار عمومی مردم ایران و جهان از این رژیم صورت می گیرد. و قطعاً فشاری بر کلیت جمهوری اسلامی هست. اما فشار تحریم ها بیش از همه بر دوش مردم ایران است. حکومت باند های مافیائی در ایران بر اقتصاد بازار سیاه و قاچاق استوار است. جمهوری

از صفحه ۱ داند. در این قطعنامه از جمهوری اسلامی خواسته شده تا کسانی را که در این طرح تروریستی شرکت داشته اند، تحویل دهد. روز ۲۱ نوامبر اوپاما رئیس جمهور آمریکا با صدور بیانه ای خبر از تشدید تحریم ها در مورد جمهوری اسلامی داد. تحریم های تازه بخش پتروشیمی ایران را در بر می گیرد. همچنین بانک مرکزی ایران در فهرست "متهمان مهم پولشویی بین المللی" قرار می گیرد. این اقدام دولت آمریکا بدنبال گزارش آژانس بین المللی انرژی هسته ای انجام شد که در آن دلایلی مبنی بر تلاش جمهوری اسلامی برای دستیابی به سلاح هسته ای ارائه شده بود. بدنبال این بیانه چند کشور

انتخابات یا انقلاب؟...

از صفحه ۱



مصطفی صابر: حمله به این "جریان انحرافی" یعنی باند احمدی نژاد و مشایب و همین جوانفکر مشاور احمدی نژاد، مدتی است که جریان دارد. کلا جنگ و دعوا میان اینها مدتی است که در هر سخنرانی و در هر اجتماعی که میگذارند و به اصطلاح با یکدیگر دیالوگ و بگو مگو میکنند، خود را نشان میدهد. این اتفاق دیروز و اقدام برای دستگیری جوانفکر که ظاهرا فوراً احمدی نژاد به جایی تلفن میکند و در خود محل هم مقاومت میکنند و خلاصه موضوع دستگیری فعلی منتفی میشود، در واقع آخرین بروز دعواها و اختلافات و جنگ و جدالهای است که الان در این بقایای جمهوری اسلامی که سر کار هست جریان دارد.

حمید حقشناس: بعضی این اختلافات و درگیریهای اخیر را اینطور تفسیر میکنند که به کشاکش جناحهای رژیم برای انتخابات آتی مجلس مربوط است. میگویند این تنشها بین اصولگرایان برای این است که طرفداران احمدی نژاد "رای های خاکستری" را جلب خودشان کنند. اینگونه تحلیل ها چقدر صحت دارد؟

مصطفی صابر: این تحلیل مورد علاقه امثال بی بی سی است. از انتخابات جمهوری اسلامی جوری صحبت میکند انگار انتخابات در سوئیس و یا در غرب است. طوری از "رای های خاکستری" صحبت میکنند که حالا آنهایی که گویا هوادار موسوی و کروبی بودند حالا در انتخابات مجلس سرشان بی کلاه مانده و نماینده ای ندارند. احمدی نژاد و دار دسته اش میخواهند این رای ها را جمع کنند! حالا انگار مردم به پای صندوقهای رای میروند و مثلاً به جای موسوی و کروبی به احمدی نژاد رای میدهند که یک ذره سعی میکنند از وجهه اسلامی رژیم فاصله بگیرد و یا مثلاً "ایران" را برجسته بکنند... این تحلیلها و یا بهتر بگویم آرزوهای بی بی سی و امثال اوست. فقط بی بی سی هم نیست. آنهایی که خواهان استحاله تدریجی جمهوری اسلامی هستند و میخواهند جمهوری اسلامی تا یک ۲۰۰ سال دیگری باشد و بتدریج و یواش یواش اصلاح بشود.

اینها اینجور آرزوها و خیالات میکنند. بنظر مساله این نیست. مساله به طور واقعی دعواهای بین اینها است. اینها سر آب خوردن هم با یکدیگر دعوایشان میشود و کشاکش میشود، چه رسد به مراسمی که قرار است معلوم شود کی دستش به آب و نان بیشتری میرسد. همان چیزی که به آن انتخابات میگویند. این جنگ قدرتی است بین اینها و جمهوری اسلامی هم از همان اولش با همین جنگ قدرتها و دعواهای درونی شروع کرده و با همین پایان می یابد. از دوره بازرگان و خمینی همینجور بوده، مسئله بنی صبر و بیرون انداختن مجاهدین هم همین بود و بعد هم دعواهای بین خودشان ("خودی" هایی که باقی مانده بودند) و غیره. دائم اینها در حال جنگ بودند و جمهوری اسلامی همین است. یعنی مسئله خیلی پایه ای تر و اساسی تر از اینهاست. بر میگردد به یک بنیاد ذاتی جمهوری اسلامی که هیچ گاه از طرف جامعه پذیرفته نشد. بعلاوه اینکه الان باید این وضعیت در هم ریخته و درب و داغان و بحرانی جمهوری اسلامی را ضربدر این واقعیت کرد که انقلاب عظیمی در سال ۸۸ شد و مردم به میدان آمدند. گرچه نتوانستند جمهوری اسلامی را بیاندازند ولی این انقلاب به همه دنیا کشیده شد. امروز داریم میبینیم تمام دنیا در جوش و خروش است و این به سهم خودش فشار بر جمهوری اسلامی میگذارد و در اوضاع ایران بازتاب می یابد. به هر حال مسئله در این سطح است و اینها با این مشکلات روبرو هستند. بنابر ربط دادن به انتخابات و مسئله را محدود کردن در انتخابات، تنها تبلیغات انتخاباتی از نوع بی بی سی برای جمهوری اسلامی است.

حمید حقشناس: این کشاکش ها که حالا در شکل دعوی بین قوه قضائیه و دولت بروز کرده است، چقدر بر سر اختلاس چند میلیارد دلاری است؟

مصطفی صابر: آنهم مطرح است. و حتی به اصطلاح اینها انتخابات، و با همان جنگ و دعوا بر سر تقسیم قدرت هم یک شکلی از بروز دعواهایشان است. آن مسئله ۳

میلیارد دلاری هم که اژه ای و قوه قضائیه به دنبال آن است، محلی برای بروز این اختلافات و دعواها است. ولی خود نفس دعواها را توضیح نمیدهد. فقط شکل بروز را توضیح میدهد. بله بطور واقعی ظاهراً یک سری مثل برادران لاریجانی ها و شهردار تهران قالیباف که مخالف احمدی نژاد و مقابل احمدی نژاد ایستاده اند دارند سعی میکنند سر این اختلاس ۳ میلیارد دلاری (که فقط یک آفتابه دزدی اینهاست چون در واقع اینها هر روز در حال اختلاس و بالا کشیدن و غارت مردم ایران هستند از خامنه ایش گرفته تا بقیه) طرف مقابل را کنار بزنند. به هر حال آن محل و محملی است برای اینکه اینها با یکدیگر تسویه حساب بکنند، ولی باز هم اصل قضیه را توضیح نمیدهد و اینکه منشأ دعوی آنها چیز دیگری است.

حمید حقشناس: نقش خامنه ای این وسط چه بود آیا کسی که زنگ زده تا جوانفکر را دستگیر نکنند خامنه ای بوده؟ فکر میکنید نقشه خامنه ای چیست و چه چیزی را میخواهد پیش ببرد؟

مصطفی صابر: نقشه خامنه ای این است که این اوباشی را که در اطرافش مانده اند یک جوری متحد نگه دارد و نظام را حفظ بکند. تمام تلاشش این است. دوست ندارد که احمدی نژاد قبل از پایان موعود دوره ریاست جمهوری اش کنار برود و خامنه ای خودش را با یک وضعیتی روبرو کند که بحران زا باشد. مثلاً ریس جمهور نداشته باشد و بخواید با وضعیت به اصطلاح تنش زایی مواجه بشود. تنها نقشه فراتر از اینی که خامنه ای دارد بظاهر این است که بچه را با جایش بیندازد بیرون. یعنی کلا دور همان نمایشی که اینها هر چند وقت یکبار برگزار میکنند و مقامات را بین خودشان تقسیم میکنند و اسمش را انتخابات میگذارند، دور این کاملاً خط بکشد. کلاً مسئله را جوری بکند که محلی باز نشود که اینها به سر و کله یکدیگر بزنند. چون انتخابات در جمهوری اسلامی معنی اش این است که این باندها و جریانات مختلف

درون جمهوری اسلامی با هم رقابت میکنند و بالاخره یک سیستمی است برای اینکه ببینند کی قدرت بیشتری داشته باشد. خامنه ای میخواهد همان را هم حذف بکند و همه چیز را

خودش تعیین بکند. این راه حلی است که خامنه ای بنظرش رسیده و دارد سعی میکند همین را پیش ببرد. در نتیجه خواهان این است که الان اینها دعواشان با یکدیگر حاد نشود و زیاد در سر و کله یکدیگر نزنند. و از یک طرف در تلاش اینست که احمدی نژاد زیر پای بقیه را خالی نکند و از آنطرف بقیه زیر پای احمدی نژاد را خالی نکنند و یک جوری این وضع را کج دار و مریض نگه دارد. تا همانطور که گفتم بعداً سر فرصت بچه را با جایش کلاً بیندازد بیرون و سعی بکند یک وضعیتی بوجود بیاورد که همه چیز تماماً توسط ولی فقیه تعیین تکلیف بشود و هیچ حالت تنشی پیش نیاید. این نقشه خامنه ای است. حالا اینکه چقدر بتواند این را پیش ببرد بحث دیگری است. دنیا را نه خامنه ای و نه احمدی نژاد و نه آمریکا میسازد.

دنیای عرصه مبارزه طبقاتی و تمایلات مختلف اجتماعی است. همچنان که دیدیم انتخابات قبلی که همچنان و طبق سنت های قبلی یک عده قاتل و چاقو کش و اعدامگر و رییس دولت سابق و رییس مجلس سابق و فرمانده سپاه سابق را گذاشتند جلوی مردم که "انتخاب" کنند، مردم از این فرصت استفاده کردند و آمدند انتخابات را تبدیل کردند به یک انقلاب علیه جمهوری اسلامی. میخواهم بگویم جامعه عرصه یک مبارزه طبقاتی است حتی جایی که یک جمهوری اسلامی عجیب غریب را هم بیاورند سر کار بگذارند و بخوانند وضع را اداره کنند بالاخره سر انجام تمایلات اجتماعی و طبقاتی خودش را نشان میدهد. مردم به میدان میایند و وضع را عوض میکنند. حالا باید دید که این نقشه خامنه ای چقدر میتواند پیش برود.

حمید حقشناس: فکر میکنید این دعواها کارش به کجا میکشد؟ به نظر شما عاقبت این دعواها چیست؟ و بالاخره مردم اینجا چکاره هستند؟

مصطفی صابر: بنظر مبارزه مردم فاکتور تعیین کننده نهایی است. آن چیزی است که اوضاع را رقم خواهد زد. این دعواها بنظر من حادثه خواهد شد. اینکه خامنه ای دادم در تلاش این است که یک جوری جلوی آن

را بگیرد و هر چیزی را که دعوا را و دعوا آفرین باشد را حرت کند، حتی همان نمایشات مسخره خودشان را که اسمش را انتخابات گذاشته اند بردارد، به جایی نخواهد رسید. به هر حال فاکتور نهایی اوضاع ایران این است که بالاخره در آنجا ۸۰-۷۰ میلیون آدم هستند که متوقع هستند، مدرن و متمدن هستند و از دنیا خبر دارند. در عین حال تحت فقر و فلاکت و اختناق شدید قرار دارند. یک مشت اوباش و دزد و قاتل و آیت الله های میلیاردی و جانی های بالفطره حاکم هستند و الان داریم میبینیم که وضعیت بین المللی شان به شدت وخیم است. و همین امروز و دیروز کلی تحریمهای جدید علیه شان وضع شده و دارند کاملاً از بازار جهانی بیرون میاندازندشان. با تحریمهایی که برای بانک مرکزی دارد صورت میگیرد دیگر کم کم نفتشان را هم نمیتوانند بفروشند. اینها (حکومت اوباش اسلامی) یک وصله نجسب به جامعه ایران و به دنیای امروز هستند و تکلیف نهایی را مبارزه مردم و انقلاب مردم علیه این وضع تعیین خواهد کرد. همچنان که در مصر و سوریه و لیبی و همه کشورهای دیگر حتی خود آمریکا و اروپا داریم میبینیم مردم دارند بیرون میایند تا سرنوشت خودشان را بدست بگیرند. مردم ایران که در سال ۸۸ (۲۰۰۹ میلادی) این موج جدید در دنیا را شروع کردند، بنظرم حالا باید بیانند جلو و یک قدم جلوتر را نشان بدهند. جمهوری اسلامی را از ریشه در آورند و با تمام این کثافات و دعواهایش و با احمدی نژاد و خامنه ای و مجتبی خامنه ای و غیره اش پایین بکشند و حکومت و جامعه مطلوب و مطابق منافع خودشان یعنی یک جامعه آزاد و برابر انسانی را برقرار کنند. یک راهی به کل دنیا نشان بدهند و خودشان را آزاد بکنند.

حمید حقشناس: تشکر میکنم مصطفی صابر از این وقتی که به ما دادید.

(انترناسیونال از نازیلا صادقی بخاطر پیاده کردن این گفتگو سپاسگزار می کنیم.)

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید

سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی

بدل میشود!

بازتاب هفته

دولت جدید در اسپانیا و مشخص شدن صف بندی ها



بهروز مهر آبادی

انتخابات روز یکشنبه ۲۹ آبان در اسپانیا مهر بحران عمیق اقتصادی را بر خود داشت. در کشورهای ایرلند، پرتغال، یونان و ایتالیا دولت ها تغییر کردند و در بلژیک مذاکرات برای حل بحران اقتصادی و تشکیل دولت ائتلافی به بن بست خورده است. اکنون نویت بورژوازی اسپانیا بود که سازماندهی خود را در مقابل مبارزات مردم و در برابر بحران اقتصادی، تغییر دهد. همانطور که پیش بینی می شد برنده انتخابات حزب محافظه کار "مردم" بود که رهبر آن "ماریانو راکوی" سیاست خود را در این جمله خلاصه کرد که دولت جدید نمی تواند معجزه کند و مردم باید سطح انتظارات خود را پایین ببیاورند. تعداد شرکت کنندگان در انتخابات نزدیک به ۷۱ درصد و کمتر از دوره های قبل بود. بسیاری از مردم در اعتراضات گسترده ای که در یک سال گذشته در اسپانیا جریان داشته، اعلام کرده بودند که راه حل نجات مردم اسپانیا از صندوق های رای بیرون نمی آید. برنده شدن حزب محافظه کار را می توان نشان بی اقبی و عدم اعتماد مردم به یک آینده روشن دانست. حزب حاکم "سوسیالیست با افزایش مالیات بر کالا های مصرفی، بالا بردن سن بازنشستگی و کاهش حقوق کارکنان دولت و حذف بسیاری از خدمات اجتماعی نه تنها هیچ آینده روشنی را نشان نمی داد بلکه ریاضت های اقتصادی بیشتر را به مردم نوید می داد. اظهار اطمینان "زاپاترو" نخست وزیر سابق از حزب سوسیالیست، از اینکه دولت جدید می تواند اسپانیا را از وضعیت بحرانی اقتصادی بیرون آورد،

نشاندهنده عجز این حزب و عدم تمایل آن برای کسب قدرت سیاسی بود. سایر احزاب چپ بورژوازی هرچند که نسبت به دوره های قبل توانستند آرای بیشتری را جلب کنند، اما ناتوانی آنها از ارائه راه حل های واقعی و خارج از چهار چوب مناسبات سرمایه داری، آنها را به شکل احزاب حاشیه ای باقی نگه داشته است. واقعیت این است که حزب محافظه کار هم که مورد حمایت اتحادیه اروپا است، بجز حذف بیشتر خدمات اجتماعی وعده دیگری نداده است. نخست وزیر جدید از عادت مردم به "خدمات اجتماعی بالا" انتقاد کرده و آنها را دعوت به فداکاری کرده است. او گفته است که برای بازپرداخت بدهی های کلان دولت بخش مهمی از خدمات اجتماعی باید حذف شود. این مواضع با استقبال گرم اتحادیه اروپا روبرو شده است.

بازنده اصلی انتخابات اخیر اسپانیا مردم این کشور بویژه کارگران و مزد بگیران این کشور هستند. همانطور که اعلام شده است، بار بدهی های کلان بانکها و موسسات دولتی، دزدی ها و سفته بازی ها بدوش مردم است. قرار است این بدهی ها از طریق کاهش و حذف خدمات درمانی، آموزشی و سایر خدمات اجتماعی پرداخت شود. بدهی های کلان دولت های اروپایی بابت سودهای نجومی، تقلب ها و دزدی هایی است که به جیب بانکداران و سرمایه داران سرازیر شده و مردم اسپانیا باید فداکاری کنند و بازهم شاهد افزایش قیمت کالا ها، کاهش حقوق ها و افزایش سن بازنشستگی باشند. سیاست های ریاضت اقتصادی توسط دولت قبلی به اجرا درآمده و دولت فعلی وظیفه استفاده از "مشت آهنین" برای تداوم اجرای آن و سرکوب اعتراضات مردم را دارد. آمار رسمی، میزان بیکاری در اسپانیا را نزدیک به ۲۲ درصد نشان می دهد که این میزان در بین جوانان تا ۴۵ درصد می رسد. بیش از ۵ میلیون نفر بیکار هستند. بهره اوراق قرضه دولتی به ۲۲ درصد رسیده است که نسبت به ۳ سال قبل

بیش از ۴ برابر شده است و نشان دهنده عدم اعتماد به دولت در خروج از بحران اقتصادی است. گزارش های منتشر شده حکایت از شرایط حاد و خشم و عصبانیت مردم دارد. مردم اسپانیا در دو سال اخیر در صف اول مبارزات ضد سرمایه داری در اروپا بوده اند و انتظار می رود که این مبارزات هر لحظه اوج بگیرد. تغییر دولت و روی کار آمدن یک حزب دست راستی صف بندی ها را مشخص تر و موضع مردم در مقابل دولت سرمایه داران را قاطع تر خواهد ساخت. *

جنگی که خونین میشود

محکومیت مسئولین رسانه ها به زندان، حمله به دفاتر روزنامه ها، در هم شکستن وسایل و دستگیری کارکنان آن در جمهوری اسلامی یک پدیده عادی است. اما روز دوشنبه ۳۰ آبان این شتر در مقابل ساختمان روزنامه ایران خوابید و علی اکبر جوانفکر مدیر مسئول آن حکم زندان گرفت که مدیر عامل خبرگزاری ایرنا یعنی بازوی رسانه ای نظام، یکی از سازماندهان حمله به مطبوعات و از مسئولان سانسور و اختناق رژیم به شمار می رود. کارکنان روزنامه ایران که خود را ارگان باند های لباس شخصی و سخنگوی چماقداران رژیم به شمار می آورند، در مقابل حمله ماموران دادستانی برای دستگیری علی اکبر جوانفکر دست به مقاومت زدند. ماموران اقدام به شلیک گاز اشک آور کردند، ۴۰ نفر از کارکنان روزنامه را بازداشت کرده و به زندان بردند و علی اکبر جوانفکر را دست بند زده و در محل کار خود حبس نمودند. جوانفکر ساعتی بعد "با رایزنی های صورت گرفته توسط مقامات ارشد نظام آزاد شد". کارکنان بازداشت شده روزنامه ایران نیز بتدریج آزاد شدند و اظهار داشته اند که ماموران زندان گفته اند که "به زودی محمود احمدی نژاد را با چشمان بسته به بازداشتگاه خواهند آورد".

حمله به دفتر روزنامه ایران و حکم زندان برای مشاور مطبوعاتی احمدی نژاد و مدیر عامل خبرگزاری دولتی، بار دیگر از عمق اختلافات درون حکومت خبر داد و نشان داد که کسی نصایح و توصیه های خامنه

ای رهبر نظام را مبنی سازش و سرپوش گذاشتن روی اختلافات، جدی نمی گیرد. یا بعبارت دقیق تر اوضاع خرابتر از آنست که بشود با خواهش و یا عتاب و خطاب جلوی حادثه شدن هرروزه اش را گرفت. افشا شدن برگ هایی از پرونده اختلاس سه هزار میلیارد تومانی، دزدی های بزرگتر و جای پای باندهای مختلف نظام و بویژه بیت رهبری را در این غارتگری ها نشان داد. پس از این ماجرا خامنه ای برای چندمین بار متخاصمین را دعوت به آرامش و مصالحه نمود. طرح استیضاح وزیر اقتصاد و طرح سوال از احمدی نژاد در مجلس اسلامی فقط قدرت نمائی اصولگرایان در مقابل دولت نبود، بلکه آن را می توان هشدار برای خامنه ای هم به حساب آورد. یک روز قبل از طرح استیضاح لاریجانی رئیس مجلس با خامنه ای ملاقات کرد و در روز موعود به قول خود مجلسیان را "غافلگیر" کرد و برای وزیر اقتصاد تقاضای رای اعتماد مشروط نمود.

اما اثرات ساخت و پاخت و "درايت" لاریجانی و خامنه ای دوام زیادی نیافت. این بار قوه قضائیه دست به کار شد و روز ۲۹ آبان دادگاه علی اکبر جوانفکر را به دلیل چاپ مطالب خلاف موازین اسلامی به ۶ ماه و بخاطر انتشار تصاویر خلاف عفت عمومی به ۶ ماه دیگر حبس و سه سال محرومیت از فعالیت مطبوعاتی محکوم کرد. این دادگاه ظاهرا بخاطر مطالب نشریه خاتون ضمیمه روزنامه ایران، برگزار شد. جوانفکر از مشاورین احمدی نژاد است که در مواردی از جمله برکناری وزیر اطلاعات توسط احمدی نژاد و برکناری مجدد او توسط خامنه ای، اولین مخالفت های باند رئیس جمهور را در مقابل رهبری نشان داد. او روز ۲۸ آبان در مصاحبه ای با روزنامه عصر اعتماد به قوه قضائیه

و مجلس حمله کرده و گفت که دوران سکوت همکاران محمود احمدی نژاد تمام شده است. او فشار رئیس نمایندگان مجلس بر باند رئیس جمهور را سهم خواهی اعلام کرد و از متکی و اژه ای خواست سکوت کنند و تهدید کرد در غیر اینصورت در مورد آنها دست به افشاکاری خواهد زد. او در مصاحبه خود گفت که احمدی نژاد به خاطر منافع نظام سند رو نمی کند. روزنامه اعتماد روز بعد توقیف شد و سپس حمله به روزنامه ایران انجام گرفت.

جوانفکر و همکاران او در روزنامه ایران با دخالت مستقیم احمدی نژاد و احتمالا پا در میانی خامنه ای، آزاد شدند اما کشمکش بین باند های رژیم ادامه دارد و شدت می گیرد. درگیری بین باند های چماقدار روز ۳۰ آبان که به استفاده از گاز اشک آور نیز رسید، ابعاد جدید این کشمکش ها را نشان می دهد. با نزدیک شدن انتخابات مجلس این دعاو ها بیشتر بالا خواهد گرفت و باید منتظر جنگ و جدال سخت تر و احيانا خونینی در درون نظام بود. بنظر می رسد که تلاش های خامنه ای برای ایجاد صلح فایده زیادی ندارد. بیت رهبری در جنایات و دزدی های هر دو جناح رژیم سهیم و دخیل بوده است و بنظر می رسد در جدال بین آنها و افشاکاری ها بیشترین صدمه را خورده و اقتدار ولی فقیه بر بالهای نظام را زیر سوال برده است. تنها حربه ای که خامنه ای برای "کش ندان" دعاو ها و خواباندن نزاع ها در دست دارد، ترساندن "مقامات ارشد نظام" از سرنوشتی است. سرکوب مردم تنها نقطه وحدت باند های رژیم در اوج جدال برای تصرف منابع ثروت و اهرم های قدرت، است. وحدتی که بخاطر فشار مبارزات مردم، بحران عمیق سیاسی و اقتصادی بیش از هر زمان دیگری شکننده و متزلزل است. *



کارگران یونان از کارگران پرتغال اعلام حمایت کردند

شهلا دانشفر

اقتصادی دولتشان و اعتصابات کارگری در آنجا به سمت سفارت این کشور در آتن رفتند و همانجا اعلام داشتند که در حمایت از مبارزات کارگران و مردم پرتغال روز پنجشنبه آینده ۱ دسامبر به مدت دو ساعت

روز ۲۴ نوامبر یک روز بزرگ اعتراضی در یونان بود. در شهر آتن به فراخوان اتحادیه های کارگری در این کشور هزاران نفر از مردم در اعتراض به قبض های گران برق و



دست از کار خواهند کشید. اتحادیه های کارگری در یونان برآورد میکنند که حداقل نیم میلیون نفر در اعتصاب ۱ دسامبر شرکت خواهند کرد. اعتصابات حمایتی کارگران کشورهای مختلف از یک دیگر یک اتفاق جدید و بسیار مهم در مبارزات کارگران و مردم است و در تحولات سیاسی امروز جهان و در دل جنبش جهانی علیه سرمایه داری میتواند نقش مهمی ایفا نماید. زنده باد اتحاد جهانی کارگران!*

اضافه شدن مطالبات بر مالکیت بر روی این قبض ها در اداره برق شهر آتن تجمع کردند و این محل را به اشغال خود درآوردند. در برابر این حرکت پلیس یونان وارد کار شد و با دستگیری و خشونت مردم را از این محل خارج کرد. در این حرکت اعتراضی بنا بر خبرها حداقل ۱۵ نفر دستگیر شده اند. بعد از این حرکت اعتراضی مردم معترضی که در اداره برق جمع شده بودند به نشانه پشتیبانی از اعتراضات مردم کشور پرتغال در اعتراض به سیاستهای

به خاطر سرکوب مردم محکوم کرد. دولت آمریکا در حال تهیه لیست تحریمهای گسترده بر علیه رژیم اسد می باشد. دولت سوریه تلاش دارد نفت خود را از طریق جمهوری اسلامی بفروش برساند تا هزینه سرکوب مردم را تامین کند. اولین محموله نفت خام سوریه هفته گذشته به رژیم ایران فروخته شد. فشار اسد دیکتاتور سوریه بار دیگر اعلام کرد که از قدرت کناره گیری نکرده و به سرکوب انقلاب مردم ادامه خواهد داد. در طول این هفته طیف های گوناگون اپوزیسیون رژیم بعد از مدتها کشمکش و اختلاف پیرامون سیاست مذاکره و یا ادامه اعتراضات تا سرنگونی رژیم، سرانجام رسیدن به یک توافق عمومی برای ادامه اعتراضات بر علیه رژیم را در دستور خود گذاشتند. در این میان بخش هایی از اپوزیسیون رژیم خواهان دخالت سازمان ملل و بخشا حمایت نظامی ناتو و ترکیه به بهانه "دفاع از مردم" شده اند.

روز سه شنبه صدها هزار نفر از مردم در میدان التحرير گرد آمده و اعلام کردند تا رسیدن به خواست های خود، یعنی انتقال قدرت به غیر نظامیان در میدان مانده و به اعتراضاتشان ادامه خواهند داد. سازماندهندگان و دست اندرکاران اعتراضات اعلام کرده اند که انقلاب دوم مصر برای رهایی نهایی از شر حکومت نظامیان آغاز شده است. اعتراضات روز های سه شنبه و دوشنبه این هفته بزرگترین اعتراضات بر علیه حکومت نظامیان بعد از سرنگونی مبارک بوده است. در همین هفته سازمان عفو بین الملل در گزارشی تقض حقوق بشر توسط نظامیان مصر را مورد انتقاد قرار داد. بر اساس این گزارش اشکال و شیوه های نظامیان در سرکوب مردم همان شیوه های دوران مبارک و با استفاده از تمام امکانات و ارگانهای دست ساخته رژیم مبارک توسط دولت نظامیان ادامه دارد. شکنجه، دستگیری و محاکمات و مفقودالاشرف شدن فعالین اعتراضات و خانه گردی ها، ادامه داشته است. براساس این گزارش از زمان سرنگونی رژیم مبارک بیش از ۱۲ هزار نفر از مردم مصر توسط حکومت نظامیان دستگیر، شکنجه، محاکمه و زندانی شده اند. اعتراضات و تجمعات مردم در شهرهای قاهره، اسکندریه و سوئز ادامه داشته و مردم بر خواست خود، یعنی کنار رفتن نظامیان از قدرت پافشاری می کنند.

سوریه: ادامه اعتراضات و فشارهای جهانی بر رژیم اسد

در هفته گذشته اعتراضات و تظاهراتهای مردم بر علیه رژیم اسد در اکثر شهرهای بزرگ ادامه داشت. در طول هفته گذشته نزدیک به ۵۰ نفر از مردم در شهرهای مختلف سوریه توسط نیروهای امنیتی کشته و بیش از ۲۰۰ نفر زخمی گشته اند. همزمان با ادامه اعتراضات مردم، تظاهرات سیاسی و دیپلماتیک اتحادیه عرب و بخشا آمریکا و اروپا برای وادار کردن رژیم اسد به پایان دادن به سرکوب ها شدت بیشتری به خود گرفته است. افزایش تحریم های غرب، اعلام تحریمهای اتحادیه عرب، فشار های سیاسی ترکیه و عربستان به رژیم اسد، بخش هایی از این سیاست بود که کماکان ادامه دارد. کمیته حقوق بشر سازمان ملل روز سه شنبه ۲۲ نوامبر رژیم اسد را

بازتاب هفته

رویدادهای منطقه در یک نگاه!



محمد شکوهی

یمن: عبدالله صالح طرح کناره گیری از قدرت را امضا کرد

در ادامه فشارهای جهانی و درخواست سازمان ملل از صالح دیکتاتور یمن کشور مبنی بر انتقال قدرت به معاون خود، روز سه شنبه ۱۱ نوامبر جمال بن عمر فرستاده سازمان ملل اعلام کرد که با رژیم صالح برای وادار کردن وی به قبول طرح شورای همکاری خلیج در مورد انتقال قدرت در این کشور به توافق رسیده اند. بر اساس این توافق طی مدت ۹۰ روز قدرت به معاون صالح واگذار می شود تا در این دوره زمینه های برگزاری انتخابات آزاد با شرکت اپوزیسیون را فراهم خواهد آورد. رژیم صالح از ۳ ماه قبل سه بار با این طرح موافقت کرده، اما حاضر به امضای آن نشده بود. روز چهارشنبه ۲۳ نوامبر صالح در مراسمی در عربستان سعودی این قرارداد را امضا کرد و استعفا خود را اعلام نمود. اما توافقات و تضمین های داده شده به صالح مورد قبول مردم نیست. تظاهرات روز ۲۴ نوامبر در یمن ادامه پیدا کرد و در شهر صنعا ۵ نفر از تظاهرکنندگان توسط پلیس کشته شدند.

مصر: بازگشت دوباره انقلاب به میدان التحرير!

از اواخر هفته گذشته هزاران نفر از مردم مصر در اعتراض به ادامه حکومت نظامیان در مصر در میدان انقلاب مصر دست به تجمع زدند. همزمان در شهرهای اسکندریه، سوئز و بندر بورت سعید نیز هزاران نفر از مردم در اعتراض به حکومت نظامیان و عملی نشدن وعده های داده شده، به خیابانها آمدند. شعله این اعتراضات در ادامه تحصن ۲۰۰۰ نفری خانواده های بازماندگان کشته شدگان انقلاب فوریه که از مدتها پیش در میدان التحرير و جلوی وزارت کشور تحصن کرده بودند،

آغاز شد. بعد از ظهر روز جمعه ۱۸ نوامبر دولت نظامیان با صدور حکمی خواهان پایان دادن به تحصن و تخلیه آن محل شد و نیروهای پلیس برای بیرون راندن خانواده ها دست به اقدام زدند. اما خانواده ها در مقابل حملات پلیس دست به مقاومت زدند. بدنبال این حرکت هزاران نفر از مردم در حمایت از تحصن به میدان التحرير ریخته و بر علیه حکومت نظامیان شعار دادند. روز شنبه ۱۹ نوامبر یک تجمع اعتراضی در میدان التحرير با شرکت هزاران نفر آغاز گردید. تجمع کنندگان خواهان استعفا طنطاوی و دولت موقت شدند. همزمان با این اعتراضات بیش از ۴۰ حزب و سازمان سیاسی با صدور بیانیه هایی مردم را به مبارزه و اعتراض بر علیه دولت نظامیان فراخوانده و اعلام کردند که انقلاب دوم برای پایان دادن به حکومت نظامیان آغاز شده است. روز دوشنبه ۲۱ نوامبر بزرگترین تجمع اعتراضی مردم با شرکت صدها هزار نفر و با شعار های "حکومت طنطاوی باید برود" و "انتقال قدرت به غیرنظامیان"، آغاز گردید. عصر روز دوشنبه نیروهای امنیتی و دولت نظامیان که از اعتراضات گسترده مردم غافلگیر شده بود، فرمان سرکوب اعتراضات را صادر کرد. هزاران نفر از نیروهای امنیتی، لباس شخصی ها و پلیس وحشیانه به تظاهراتهای مردم حمله برده، بیش از سی نفر را کشته و بیش از ۱۰۰۰ نفر را زخمی کردند. حملات به اعتراضات مردم کماکان ادامه دارد. مردم خواهان استعفا دولت نظامیان و دولت دست نشانده موقت هستند. دولت موقت در مشورت با نظامیان و برای آرام کردن اوضاع مجبور شد استعفا بدهد. نظامیان استعفا دولت موقت را تنها شانس خود برای مهار مردم دانسته و بعد از کشمکش های فراوان و به دنبال اعتراضات گسترده مردم بالاخره روز سه شنبه ۲۲ نوامبر طنطاوی رئیس شورای نظامی در تلویزیون دولتی ظاهر شد و اعلام کرد که استعفا دولت را قبول کرده و در تلاش برای تشکیل "دولت آشتی ملی" با شرکت غیرنظامیان می باشد. اما این سخنان نیز کمکی به فرونشاندن آتش انقلاب نکرد. از عصر

جنبش دفاع از علیا ماجده المهدی در سراسر جهان، او به قلب جنبش اسلامی حمله کرده است!

مینا احدی، مریم نمازی



زن در این جنبش و در فرهنگ مردسالارانه اسلامی، برده جنسی مردان است. تن او متعلق به مردان است و باید در پستوی خانه و در حجاب و چادر و برقع پیچیده شود. زن حق تملک بر تن و بدن خود را ندارد و اگر اعلام کند که قوانین را قبول ندارد و بویژه اگر تن لخت خود را در معرض دید عموم قرار دهد، بزرگترین تابوها را شکسته است.

علیا ماجده المهدی یک دانشجوی آزاده مصری است. او با انتشار عکسهای برهنه خود در ویلاگش، به قلب جنبش اسلامی، به قلب تحجر و مردسالاری و به قلب طرفداران خجول جنبش اسلامی زده است. یک سازمان اسلامی در مصر خواهان اجرای "حد شرعی" یا کشتن علیا به شیوه اسلامی شده است و از مقامات مصری خواهان عکس العمل و مجازات علیا و دوست پسر او کریم عامر شده اند.

این دختر جوان خود را آنتیست، فمینیست، آزادیخواه و انقلابی معرفی میکند. علیا میگوید با این کار علیه سکسیسم، مردسالاری، راسیسم و حذف زنان از جامعه علیه حجاب اسلامی و علیه کل فرهنگ اسلامی مبارزه میکند. دوست پسر علیا ویلاگ نویس مشهور مصری کریم عامر است. عامر چهار سال در زمان مبارک بدلیل ویلاگ نویسی و افشاگری به زندان محکوم شده بود و علیا برای آزادی او میجنگید. کریم عامر در روزهای قبل از اوج گرفتن جنبش در مصر از زندان آزاد شد و یک چهره مهم در جنبش اعتراضی جوانان و مردم مصر علیه حکومت دیکتاتوری مبارک بود.

کریم عامر میگوید تا آخرین لحظه در کنار علیا خواهد ماند و از این حرکت او دفاع میکند. او میگوید علیا یک دختر قوی، مستقل و با اراده است و این تصمیم شخصی او بوده است و من در کنار او خواهم ماند.

علیا میگوید از ۱۶ سالگی از مذهب اسلام خارج شده و اعتقادی به دین و مذهب ندارد.

اما اهمیت این اقدام جسورانه علیا ماجده المهدی فقط در تابو شکنی فرهنگی نیست این اقدام او امروز یک

حرکت سیاسی بسیار مهم در مصر و همه کشورهای اسلام زده است و باید همه آزادیخواهان، همه مدافعین حقوق انسانی و مدافعین حقوق زن و همه مخالفین جنبش اسلامی و اسلام سیاسی اینرا درک کنند و دفاع از او و اقدام مهمش را وظیفه خود بدانند.

در یکی از عکسها علیا در حالی که برهنه ایستاده است، یک روسری را زیر پای خود قرار داده و آنرا لگد کرده است. او در ویلاگش در پاسخ به کسانی که به او حمله میکنند، میگوید: من به کسی توهین نکرده ام، من به یک تکه پارچه توهین نمیکنم که نمود بردگی زنان است.

بیش از سه دهه است که تن و بدن زنان و خط زدن حضور و چهره زن در جامعه و تحمیل حجاب به زن، به یک امر سیاسی مهم برای جنبش اسلامی تبدیل شده است. جنبشی که برای قدرت گرفتن له له میزند و برای حفظ قدرت با اجازه خدا و پیغمبر به هر جنایت و رذالتی که در مخیله بشر نمیگنجد دست میزند. نمونه بارز و آشکار این موضوع حکومت طالبان در افغانستان و حکومت اسلامی در ایران است که داعیه رهبری "جهان اسلام" را دارند. جنبش اسلامی با تحمیل حجاب به زنان به هر قیمت، پایه های حاکمیت خود را در جوامع تثبیت میکند و برای به قدرت رسیدن در هر جایی اول باید زنان را شکست بدهد.

بی دلیل نیست که در مصر و تونس و ... توجه ها به حجاب زنان جلب شده و اسلامیها و کل جریانات بورژوازی تقلا میکنند که انقلابی را که هدفش آزادی، رفاه و برابری بود پس بزنند و اولین حملات علیه زنان را سازمان میدهند و از این طریق سعی میکنند پیشروی کنند. اقدام علیا پاسخی به این توحش اسلامی است.

با انتشار علنی عکسهای علیا در ویلاگ شخصی اش، به یکباره یک بمب سیاسی و تابو شکنانه در مرکز ارتجاع اسلامی منفجر شد. در عین حال این حرکت موجی از همبستگی و شور و شوق را در دنیا به راه انداخت. ویلاگ او اکنون از هر سایتی در دنیای عرب پرریننده تر است. اکنون در دنیا

یک موج عظیم سنت شکنی و آزادی خواهی در دفاع از علیا راه افتاده است. هزاران دختر بویژه از کشورهای اسلام زده با او ابراز همبستگی کرده و عکسهای برهنه خود و یا عکسهای لخت از زنان دیگر را تحت عنوان "من علیا هستم" در سایتها و ویلاگها و صفحه فیسبوک و تویتر و ... منتشر کرده اند. ویلاگ علیا روزانه بیش از یک میلیون بیننده دارد. در همه رسانه های بین المللی در مورد این اقدام و این حرکت انقلابی او نوشته اند و توجه ها در همه جا به این موضوع جلب شده است. در بالای صفحه ویلاگش نوشته: "مذکرات فائزه" یادداشت های یک زن انقلابی و در زیر عکس بزرگ خود و در پاسخ به کسانی که به او حمله میکنند، نوشته است، "تخست دربارہ زنانی که در آغاز دهه ۷۰ میلادی در دانشکده هنرهای زیبا به عنوان مدل در برابر نقاشان مرد لخت می شدند قضاوت کنید و کتاب های هنری را پنهان کرده، مجسمه های برهنه را بشکنید، سپس در برابر آینه لخت شوید و بدن های خود را که با دید تحقیر آمیز به آنها نگاه می کنید به آتش بکشید تا پیش از فرستادن اهانت هایی با مضمون تبعیض جنسی به من و نفی حق آزادی بیان من، برای همیشه از عقده های جنسی خود رها شوید."

علیا به جنگ جنبش اسلامی و فرهنگ زن ستیز اسلامی رفته است. اعلان جنگ علنی او علیه قدرت گرفتن سازمانهای رنگارنگ اسلامی در مصر و تونس و در کشورهایی است که دیکتاتورها به همت مردم به زیر کشیده شدند و اسلامیسیم به تکا پوی قبضه کردن قدرت افتاده است.

در مقابل این اقدام جسورانه علیا، دایناسورهای و تروریستهای اسلامی همه جا و بویژه در مصر به حرکت در آمده و خواهان ریختن خون علیای بیست ساله شده اند. اینها برای رسیدن به قدرت در مصر کفش و کلاه کرده اند و اکنون علیا با این حرکت جسورانه و انقلابی و زیر و روکننده بسیار مهم به قلب آنها حمله کرده است و اسلامیها که به چیزی جز قتل و فتوا و خون ریختن نمیتوانند تکیه کنند در مقابل او و در واقع در مقابل حقوق زنان و سکولاریسم صف آرائی کرده اند.

این یک نبرد مهم و بسیار حیاتی در دفاع از آزادی بیان، در دفاع از حقوق انسانی زنان و علیه دخالت اسلام و مذهب در زندگی همه مردم است.

این یک حرکت انقلابی به تمام معنا و یک نبرد جسورانه با جنبش

اسلامی است. ما زنان و مردان و مردم تحت حاکمیت جمهوری اسلامی اهمیت و حیاتی بودن این حرکت را کاملاً درک میکنیم و از دنیا میخواهیم یکپارچه در مقابل جنبش اسلامی از علیا و حقوق زنان و سکولاریسم دفاع کند.

در برخی رسانه ها و سایتها، بحثهایی در مورد "رادیکیالیسم بیش از حد" و یا "پرده دری" بیش از حد و یا "اقدام نجسب و غیر ضروری" که گویا "اسلامیهای تند رو را تحریک میکند، به راه افتاده. گویا این حرکت جامعه را قطبی کرده و "سکولارها را به سوی اسلامیون سوق میدهد" و ممکنست برای "اسلامیها رای بیشتر بیاورد و... غیره".

پاسخ ما به این طیف اسلامی و نیمه اسلامی و فرهنگ مردسالار این است که فرهنگ عقب مانده خودتان را به این شکل تبلیغ نکنید. شهامت داشته باشید مثل همان اسلامیهای "تندرو" حرف دلتان را بزبید تا جامعه چهره واقعی همه شما را در کنار اسلام سیاسی و ارتجاع محض اسلامی بطور عریان ببیند. ما این جنبش و سنت عقب مانده و مودی را میشناسیم.

همین تفکر و سنت عقب مانده اسلامی و نیمه اسلامی از ما زنان در ایران و افغانستان نیز میخواست که منتظر ظهور امام زاده اصلاحات به رهبری اسلامیهای "میانه رو" باشیم. همان کسانی که خاتمی را در ایران نماینده مدرنیسم معرفی کرده و از زنان میخواستند که ساکت باشند و به سیم آخر زنند، اکنون وارد این جنگ شده و بجای دفاع از علیا و زنان و مردم آزاده در مصر، فرمان ایست و آتش بس میدهند. به اینها باید گفت کنار بروید تا ما نبرد نهایی را با این جنبش کثیف ضد زن، ضد انسانی و تروریست انجام دهیم. هر کس امروز از سکولاریسم حرف میزند باید از علیا دفاع کند.

اسلامیها که موج وسیع دفاع از علیا را در دنیا شاهد هستند، آنها که دفاع جانانه زنان و جوانان در مصر و در



تونس و لیبی ودر همه دنیا از علیا را شاهدهند، به لرزه افتاده و برای اعدام علیا امضا جمع میکنند. امنیت علیا و دوست پسرش کریم الان بسیار مهم است بهترین تضمین امنیت آنها حمایت گسترده جهانی و فشار به دولت نظامی مصر است.

برای جلوگیری از هر تعرضی به آنها اکنون که در آستانه ۲۵ نوامبر روز جهانی اعتراض به خشونت بر علیه زنان هستیم، همه ما از علیا و خواستهای او دفاع کرده و با دامن زدن به یک جنبش جهانی "ما همه علیا هستیم" عملاً از امنیت او دفاع خواهیم کرد.

ما زنان و مردان و جوانان از ایران که جنبش کثیف و جنایتکار و ضد

انسانی اسلامی را می شناسیم، میدانیم که نبرد برای تحمیل حجاب و مقابله با زنان یک پرچم و یک ستون مهم جنبش اسلامی برای به قدرت رسیدن است و اکنون علیا در صدر مقابله با جنبش اسلامی ایستاده و سرنوشت این مبارزه در آینده مصر بسیار حیاتی خواهد بود. کسانی که فکر میکنند این فقط یک حرکت "رادیکال" و "تحریک کننده" یک جوان است و بزودی سپری خواهد شد و احتیاجی به دفاع از او نیست و یا باید او را و اسلامیها را "آرام" کرد، شدیداً در اشتباه هستند. انقلابی که در مصر شروع شده است انقلاب مهمی است و باید کمک کنیم این انقلاب از پیشروی ناپسند دفاع از علیا و جنبش جوانان در مصر برای آزادی و برابری و وظیفه همه ما است همه آنتیست ها، سوسیالیستها، سکولارها، فمینیستها، و آزادیخواهان و مخالفین جنبش اسلامی در همه جا.

زنه باد علیا ماجده المهدی و زنده باد زنان و مردانی که در دنیا بیخاسته و از او دفاع میکنند. این مهمترین سنگر مقابله با اسلامیها است.

minaahadi@aol.com
0049 1775692413
maryamnamazie@gmail.com
00447719166731

از "بن اول" تا "بن دوم"! تقلاهای ارتجاعی دولت آمریکا و جریانات اسلامی برای شکل دادن به آینده افغانستان محکوم است!

گزارش شرکت حزب کمونیست کارگری در فروم سوسیالیستی در استکهلم سوئد

جوانانی که به تازگی مجسمه منصور حکمت در های گیت لندن را دیده بودند و با کنجکاوای علاقمند بودند بیشتر در باره منصور حکمت و حزب کمونیست کارگری بدانند.

افسانه وحدت

شنبه ۱۹ نوامبر امسال مانند هر سال به دعوت سازمان (ABF) فروم سوسیالیستی در شهر



حضور فارسی زبانان هم امسال نسبت به گذشته بیشتر بود.

ادبیات سیاسی حزب به زبانهای سوئدی، انگلیسی و فارسی را معرفی کردیم. جوانان ایرانی که در خارج کشور بزرگ شده اند و کمتر جامعه ایران را از نزدیک می شناسند، علاقه زیادی برای درک وضعیت مبارزات مردم ایران و راههای پیشروی این مبارزات در ایران و منطقه نشان میدادند. موضع حزب در مورد جنبشهای اخیر و مشخصا اعتراضات نود و نه درصدی ها و اشغال وال استریت از شوق برانگیزترین بحث ها بود. شور و اشتیاق جوانان برای درک اوضاع و تغییر آن بسیار چشمگیر بود. سخنرانی حمید تقوایی در همین مورد را که به زبان های انگلیسی و فارسی در دسترس داشتیم، به آنها معرفی می کردیم و این توجه ها را جلب میکرد و بحث های زیادی را دامن میزد.

یوران گوستاوسون (Göran Gustavsson) از دوستان حزب هم از مسئولین میز اطلاعاتی ما بود که فعالانه بخشهای زیادی با بازدید کنندگان از میز اطلاعاتی در مورد تحولات منطقه و موضع حزب کمونیست کارگری داشت.

اطلاعیه و جزوه و کتابهای حزب در مورد سیاستهای جاری حزب پخش شد. بسیاری از مراجعین خواهان تماسهای بیشتر با ما بودند و اظهار علاقه میکردند که در برنامه های ما شرکت کنند. این برنامه تا ساعت هفت شب ادامه داشت و مورد استقبال هزاران نفر قرار گرفت.

استکهلم برگزار شد. ده سال است در این محل و در همین ماه این برنامه برگزار میشود و دهها سمینار و برنامه های متنوع مانند نمایش فیلم و غیره در لیست فعالیتهای این روز قرار دارد. امسال به دلیل دهمین سالگرد این فروم تعداد سمینارها بیشتر از سالهای قبل بود. جمعیت بیشتری هم برای شرکت در فروم گرد آمده بودند.

میز اطلاعاتی حزب کمونیست کارگری از جمله میزهای اطلاعاتی در سالن بود. گفتگو و مباحثات زیادی در کنار میزهای اطلاعاتی در میگیرد که دست کمی از سمینارها ندارد. علاقمندان مسایل سیاسی و اجتماعی و فعالین سیاسی از احزاب و سازمانهای مختلف حضور بسیار پر رنگی دارند. شرکت جوانان در برنامه امسال چشمگیر بود. جوانان با کنجکاوای زیادی برای یافتن پاسخی روشن در باره اوضاع سیاسی پرتحول جهانی، بحرانهای سیاسی و اقتصادی و یافتن آльтرناتیوی روشن برای آینده، در کنار میزهای اطلاعاتی جمع میشدند و میخواستند پاسخی برای وضعیت نابسامان کنونی بیابند. جوانانی که خود را نود و نه درصدی میدانستند از علاقمندان و پرسشگران جدی این میزها بودند. استقبال از میز اطلاعاتی ما، به همین دلیل چشمگیر بود.

میز اطلاعاتی حزب کمونیست کارگری از جمله میزهایی بود که جوانان کنجکاو زیادی را به خود جلب کرده بود. جوانانی که بدنبال یافتن پاسخیهای خود در باره کمونیسم با نام منصور حکمت آشنا شده بودند تا

مسیبین وضعیت فلاکت بار مردم افغانستان در یک دهه گذشته میباشند. در اعتراض به این کنفرانس تظاهراتی به فراخوان نیروهای آزادیخواه و مدافع مردم افغانستان در روز دوشنبه ۵ دسامبر در شهر بن آلمان فراخوان داده شده است. حزب کمونیست کارگری همه مردم آزاده، مدافعین حقوق زنان، مدافعین مردم افغانستان و سازمان های سوسیالیست و کمونیست را فرا می خواند در این تظاهرات شرکت کنند و به کل ستاروهای سپاهی که توسط مشتی دولت مرتجع علیه مردم افغانستان تدارک دیده شده است، اعتراض کنند. باید برای دفاع از مردم محروم و رنج دیده افغانستان و برای یک دولت سکولار و غیرقومی غیرمذهبی و برای آزادی و برابری در افغانستان به میدان آمد و صدای مردم زجر دیده افغانستان را به گوش مردم جهان رساند. حزب ما از هیچ کمک و همراهی و تلاشی در این راستا دریغ نخواهد کرد.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران- آلمان
۲۲ دسامبر ۲۰۱۱



مورد این سو قصد هیچ حرفی نزد و هیچ اقدامی انجام نداد. ما از مردم آذربایجان و از مردم ایران و همه معترضین به جنایات حکومت اسلامی، دعوت میکنیم به این جنایت که بی تردید دست سازمانهای اسلامی و جمهوری اسلامی ایران در آن هست، اعتراض کرده و خواهان روشن شدن فوری این موضوع شوند. هر جا که امکان دارد علیه این ترور بیشرمانه و علیه فتوای قتل از سوی ملاها و جنایتکاران حاکم بر ایران یاد رفیق تقی نویسنده منتقد و معترض به اسلام و به اسلام سیاسی را گرمی بداریم. مینا احدی کمیته بین المللی علیه اعدام، ۲ آذر ۹۰

مردمی، فقر و فلاکت اقتصادی اکثریت عظیم مردم و بیحقوقی مردم و بویژه زنان محصول کنفرانس "بن اول" بوده است. در این کنفرانس مشتی دول مرتجع نشستند و تصمیم گرفتند و افغانستان را صحنه جدال قدرت کثیفترین نیروهای سیاسی از کرزای و طالبان تا دول عربستان و ایران و پاکستان و دول مرتجع غربی کردند و زندگی مردم را تماما نابود کردند و میلیون ها مردم این کشور را به خاک سیاه نشانند. دولت قومی اسلامی عقب مانده و ضد مردمی کرزای را علیه مردم افغانستان ساختند و بر سر مردم حاکم کردند. دولت کرزای ناتوان از پاسخگویی به ساده ترین نیازهای مردم، در شرایطی که نیروهای طالبان اعدام و سنگسار میکنند، مدارس را به آتش میکشند و ناامنی را به سراسر کشور گسترش داده اند، چاره را سهیم کردن آنها در قدرت می بیند. قرار است ترکیبی از ارتجاعی ترین نیروها اینبار با شرکت طالبان بنشینند و همچنان علیه مردم افغانستان در کنفرانس "بن دوم" توطئه چینی کنند و دوره دیگری از فقر و بیحقوقی و جنگ و ناامنی را به مردم ستم کشیده افغانستان تحمیل کنند. شرکت کنندگان در این کنفرانس

روز ۵ دسامبر کنفرانس "بن دوم" افغانستان در آلمان برگزار میشود. این کنفرانس قرار است آینده افغانستان بعد از سال ۲۰۱۴ را، که گفته میشود سال خروج نهایی نیروهای ناتو از افغانستان است، بررسی و آینده سیاسی و اقتصادی این کشور را شکل بدهد. ده سال بعد از سقوط طالبان، ده سال پس از برگزاری کنفرانس "بن اول" که بدنبال سقوط رژیم طالبان، دولت عقب مانده و ارتجاعی قومی- مذهبی در افغانستان را سر کار آورد، ترکیبی از همان نیروهای میخواستند در کنفرانس "بن دوم" آینده سیاه دیگری را برای مردم افغانستان تدارک ببینند. نمایندگان نزدیک به صد دولت از جمله جمهوری اسلامی و دولت پاکستان در این کنفرانس شرکت میکنند. مقامات دولت آمریکا و آلمان و دولت کرزای تأیید کرده اند که در حال مذاکره با طالبان برای شرکت در این کنفرانس بوده و معتقدند که آینده سیاسی افغانستان بدون دخالت طالبان غیر ممکن است. آنچه امروز شاهدیم یعنی جنگ و تداوم حملات جنایتکارانه طالبان و حضور و نفوذ جمهوری اسلامی و دولت پاکستان در این کشور، حاکمیت یک دولت فاسد و ضد

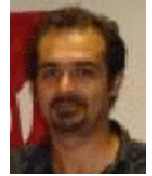
نویسنده و منتقد اسلام در بیمارستان باکو در گذشت. ترور نویسنده آذربایجانی با فتوای سران جمهوری اسلامی

شعب گذشته طبق خبری که به ما رسیده، رفیق تقی در بیمارستانی در شهر باکو درگذشت. او بدلیل انتقاد از مذهب اسلام و نوشتن چند کتاب و مقالات انتقادی، در آذربایجان بسیار معروف بود و از سوی مقامات حکومت اسلامی و بویژه آیت الله لنگرانی به مرگ تهدید شده بود. این آیت الله حکومت اسلامی فتوای قتل رفیق تقی را صادر کرده بود و تروریستهای حکومت اسلامی در آذربایجان بدنبال فرصتی برای انجام این قتل بودند. رفیق تقی که بدلیل انتقاد از مذهب اسلام از طرف دولت آذربایجان دستگیر و دو سال هم در زندان بود،

شنبه ۱۹ نوامبر ساعت ده شب در حالیکه رهسپار منزلش بود، مورد حمله یک ناشناس قرار گرفت و بشدت مجروح شد. برادر و خانواده او اعلام کردند که تروریستهای حکومت اسلامی این حمله را انجام داده اند چرا که بارها او را به مرگ تهدید کرده

بودند. رفیق تقی ساعاتی قبل از درگذشت با بخش آذری رادیو اروپای آزاد مصاحبه کرده و گفته بود حالش بهتر شده است. ساعاتی بعد از این مصاحبه گفته شد که او حالش بهم خورده و سپس اعلام شد که رفیق تقی در بیمارستان فوت کرد. دوستان او از اینکه حتی امکان دارد در بیمارستان مزدوران حکومت اسلامی او را مسموم کرده باشند، حرف میزنند و خواهان روشن شدن این موضوع شده اند. رفیق تقی چهره سرشناس منتقد اسلام و مورد توجه جوانان و مردم در آذربایجان بود. قتل رفیق تقی يك واقعه مهم در آذربایجان است و جالب است که رسانه های وابسته به ناسیونالیستهای آذری در این مورد سکوت کرده و این واقعه مهم را چندان پوشش خبری نداده اند. خانواده رفیق تقی خواهان روشن شدن فوری عوامل این قتل شده اند. دولت آذربایجان در این چند روز در

"علیا"، پرچمدار انقلابات ناتمام و ... از صفحه ۱



هادی وفاقی

قدرت که همیشه تلاش داشته اند زن و بدنش را بعنوان يك جنس دوم و ابزاری در دست امیال جنسی مرد و برده جنسی او معرفی کنند و اساسا از این تحمیل بی حقوقی اسلامی بهره سیاسی گرفته اند و به قدرت رسیده اند و کشته اند و دزدیده اند و حکومت کرده اند، باید گفت متأسفانه برخی که همواره سعی کرده اند خودشان را به سکولاریسم پجسباندند هم، با عناوینی از این دست که این "رادیکالیسم بیش از حد است"، اقدام او را مورد انتقاد قرار داده اند. نیروهای اسلامی هم خواستار اجرای "حد شرعی" و کشتن علیا بشیوه اسلامی شده اند! پاسخ "علیا" زیر آن عکس در ویلاگش - به همان شیوه سادگی و کوچکی خودش - چنین بوده است: "نخست درباره زنانی که در دهه هفتاد میلادی در دانشکده هنرهای زیبا بعنوان مدل در برابر نقاشان مرد لخت می شدند قضاوت کنید و کتاب های هنری را پنهان کرده، مجسمه های برهنه را بشکنید، سپس در برابر آینه لخت شوید و بدن های خود را که بشکل تحقیق آمیز به آنها نگاه می کنید به آتش بکشید تا پیش از فرستادن اهانت هایی با مضمون تبعیض جنسی به من و نفی حق آزادی بیان من، برای همیشه از عقده های جنسی خود رها شوید!" در سوی دیگر اما، تمامی مردمان و زنان و دختران شریف دنیا بودند که به شوق آمده و اقدام علیا را بمشابه حرکتی برای اعاده حقوق ابتدایی زنان زیر سیطره قوانین اسلامی و شرایط نامن و بی در و پیکری که جنبش اسلامی با همدستی جهان غرب بر سر مردم و بخصوص زنان و دختران این جوامع حاکم کرده است، مورد حمایت گرم و انسانی خود قرار دادند. تا این لحظه سایت علیا روزانه بیشتر از يك میلیون بیننده دارد و کمیون وسیعی با عنوان "ما همه علیا هستیم" در حمایت از او براه افتاده است.

"علیا ماجده المهدی" به دلایل متعددی جنبش اسلامی را به مصادف طلبیده است. خواسته های علیا به این سبب جهانی شده اند که اساسا او از

زاویه ای کاملا انسانی و طبیعی به زندگی نگاه کرده است. دختری شاد که بگفته خودش تمام چیزهای کوچک زندگی را دوست دارد و هیچ چیز طبیعی و نرمالی را در زندگی وجودش، به هیچ قیمتی حاضر نیست از دست بدهد یا نادیده بگیرد. می خواهد از تمام وجودش و از تمام زندگی اش سیراب شود! و با اینحال، اهمیت این اقدام علیا به حرکتی سیاسی دامن زده است بر علیه آن سیاهی و نکستی که اسلام سیاسی میخواهد بر جهان حاکم کند. جنبشی انسانی که باید گفت باز هم به انقلاب برمی گردد. به قدرت و عظمت انقلاب مردم مصر و نیز انقلاباتی که در کشورهای اسلام زده و دیکتاتوری منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در نیمه راه متوقف شده اند و اقدام علیا پاسخی به این وضعیت است. ادامه انقلاب است و اینکه انقلاب ادامه دارد و هنوز هیچ چیز عوض نشده است! علیا می گوید انقلاب ۲۸ ژوئن را برسمیت نمی شناسد، انقلاب هنوز ادامه دارد و مردمی هم که امروز دوباره در میدان تحریر جمع شده اند، می گویند تغییری در قوانین کشور رخ نداده و حتی پس از تحویل قدرت توسط نظامیان هم، راهکارهایی تعبیه شده که حضور نظامیان در قدرت حفظ شود. می گویند همه چیز مانند گذشته است و نظامیانی که بقدرت رسیده اند، به همان شیوه سرکوب و کشتار زمان حسنی مبارک با مردم و معترضان برخورد می کنند و در مقابل، ارتش و شورای نظامی موقت هم می گوید قبول خواست - حداقلی - جوانان معترض در میدان "التحریر" که خواستار کناره گیری قدرت نظامی هستند، در حال حاضر عملی نیست! و این همان بی شرمی، وقاحت و ریاکاری است که "علیا" بر علیه آن پنا خاسته است. او در ویلاگش تعریف می کند که چگونه وقتی با دوست پسرش، کریم عامر، در میدان تحریر دست در گردن همدیگر در مقابل چادر نشسته بودند، نیروهای اسلامی آمده اند و ضمن اعتراض به اینکه چرا دست در گردن هم انداخته اند، چادر را خراب کرده اند. پس از آن انقلاب، بورژوازی ملی مصر و سرمایه داری غرب تلاش زیادی بخرج دادند تا امکان گذار مسالمت آمیز و بدون دردسر قدرت را به حکومت دست نشانده و سرکوبگر احتمالا مذهبی دیگری فراهم کنند و برآمد تمام این تلاش ها مسلط شدن ارتش بر ساز و کار سیاسی بود که تا به

علیا می گوید چیزهای کوچک زندگی را دوست دارد و هم اکنون او با همان کوچکی و سادگی و صداقت، فریاد برآورده است. اکثریت مردم در سراسر جهان خود را با او هم دل و هم درد یافته اند و در عین حال، توجهشان به انقلاب و اینکه اساسا باید يك انقلاب را تا به آخر ادامه داد، جلب شده است. "علیا ماجده المهدی" تجربیاتش از ناکامی تانکونی انقلاب مصر را با جهانیان و بویژه مردم

تورنتو، کانادا فعالین ایران سولیداریتی در حمایت از مردم ایران

هر هفته روزهای چهارشنبه در یکی از پر رفت و آمدترین مراکز شهر تورنتو، فعالین "ایران سولیداریتی" با میز و پارچه نوشته برای امضا و بلندگو و تعدادی پوستر جمع میشوند و با مردم صحبت میکنند. از مبارزه مردم ایران میگویند و توجه رهگذران را نسبت به آنچه در ایران میگذرد جلب میکنند. مردم انساندوست اعم از کانادایی، عرب زبان و یا ایرانیان مقیم تورنتو به گرمی از این حرکت استقبال میکنند و با امضای پتیشن دفاع از مردم ایران و یا با بلند کردن پوسترهای کارگران و فعالین سیاسی زندانی در ایران و یا همه دیکتاتورها باید گورشان را گم کنند، همبستگی خود را با مردم ایران برای سرنگونی حکومت وحوش اسلامی در ایران جلب میکنند. عکس های زیر مربوط به روز چهارشنبه ۲ آذر (۲۳ نوامبر) است.



کشورهایی که دست به کار سرنگونی و بزرگ کشتن دیکتاتوری ها هستند، در میان گذاشته است. هم اکنون مردم مصر بار دیگر به میدان تحریر آمده اند تا آن نارضایتی و اعتراضات انسانی خود را بیان کنند و در ایران و سوریه هم مردم، کارگران، زنان و جوانان دست به کار همین امر و تلاش برای جارو کردن بساط دیکتاتورهای اسلامی و مذهبی هستند. در این میان انقلاب مردم ایران می تواند نقش کلیدی را

ایفا کند و تکمیل کننده تمام این انقلاباتی باشد که در نیمه راه متوقف شده اند و امروز، "علیا" پرچمدار خواسته های کوچک و انسانی شان است. انقلاب مردم ایران می تواند آن ضربه نهایی را بر پیکره این ستون اصلی ارتجاع اسلامی بزند که جهان را به خونریزی، عقب ماندگی و آشوب کشانده و شادی و زندگی را از مردمانش دریغ داشته است.*

کمک مالی به تلویزیون کانال جدید

آذر و هوشیار ۵۰۰ دلار	خلیل کیوان ۵۰۰۰ کرون
افسانه وحدت ۵۰۰۰ کرون	مرجان واعظ ۵۰۰۰ کرون
سیامک ۳۰۰۰ کرون	رزگار روشن ۲۰۰ دلار
داود آرام ۵۰۰ دلار	ناصر اصغری ۲۰۰ دلار
عباس ماندگار ۵۰۰ دلار	مسعود آذرنوش ۵۰۰ دلار
سلیمان سیگارچی ۲۰۰ دلار	مینا بهروزی ۱۰۰ دلار
صابر آزاد ۵۰۰ دلار	نیما آزاده ۲۰۰ دلار
سعید صالحی نیا ۷۰۰ دلار	تینا ۳۸۰ دلار
سهراب وفا ۵۰ دلار	احمد حسینی ۶۴۰ دلار
علا فرهاد پور ۱۰۰ دلار	محمود نظری ۱۰۰ دلار

حوزه انترناسیونال بابت کمک ماههای مرداد و شهریور ۱۳۹۰ یک میلیون و دویست هزار تومان

جوانفکر و باندهای حکومت

شهلا دانشفر



جنگ و جدال در درون سران حکومت بیش از هر وقت بالا گرفته است. يك نمونه پرسروصدای این کشاکشها حرفهایی است که در همین هفته علی اکبر جوانفکر سرپرست موسسه مطبوعاتی ایران و از افراد منتسب به باند احمدی نژاد با روزنامه اعتماد داشت که بدنبال آن قضیه تا آستانه دستگیری او جلو رفت. او در واقع روی نقطه ضعفها و پرونده ها و مدارك علیه جناح مقابل انگشت گذاشت و آنها را تهدید کرد که حقایق پشت پرده را رو خواهد کرد و همین باند خامنه ای را به خشم آورد. اما از خلال سخنان او عمق نزاعهایشان نیز روشن تر بروز میکند. در قسمتی از این گفتگو جوانفکر میگوید: "بله؛ ما از این دوستانمان (باند خامنه ای) منحرفیم، از باورها و رفتارها و برداشتهای آنها منحرفیم. ما آنها را قبول نداریم. رفتار و منش آنها را قبول نداریم و از آنها منحرفیم، اینها درست است و اگر منظورشان از جریان انحرافی انحراف از باورهای خودشان است درست است. و بعد ادامه میدهد: "مگر نگفتند ما رمال یا جنگیر هستیم، چرا اثبات نکرده اند؟ مگر نگفتند ۱۵۰ میلیون دزدی کردیم پس چی شد سندش. چرا

عدیهی بازداشت می شوند و ممکن است در يك جایی تر و خشک با هم بسوزند. اصلاح طلبان مرتکب اشتباهات بزرگی شدند و این اشتباهات را باید در جای خودش بررسی کرد اما حاضر نیستیم به خاطر اشتباهاتشان سر اینها را ببرند و بگویند اینها شایسته هر برخوردی هستند! من چنین چیزی را نمی گویم! قبول دارم که در تصمیم گیری و رویکردهایشان اشتباه کردند که این در جای خودش قابل طرح و بررسی است، اما این بحثی را که شما فرمودید اینطور پاسخ می دهم که وقتی التهاب می شود، وقتی تشنج و آشوب می شود ممکن است بعضا افراد بی گناه هم هدف برخورد قرار گیرند و عدیهی آسیب ببینند."

از این سخنان روشن است که دو جناح بر سر همه چیز با هم جنگ و کشاکش دارند. جوانفکر فقط حرف خود را نمی زند او پلاتفرم و موضع کل باند احمدی نژاد را بیان میکنند. و جناح مقابل نیز با حمله به جوانفکر در واقع دارد پیامش را به احمدی نژاد و کل جناحش میدهد. این جنگ روشن است که هرچند هم خامنه ای و بقیه تلاش کنند همین روزها به نحو حاد و خونینی سرباز خواهد کرد. این جنگی است که مسببش مردمی هستند که کل حاکمیت را در وحشت مرگ فروبرده اند. و تا سرنگونی این حکومت از پا نمی نشینند.*

ملکنازده را ۶۰ روز انفرادی بردند؟" جوانفکر در مقابل اژه ای نیز ایستاده و با لحنی تهدید آمیز میگوید: "آقای متکی و اژه ای بهتر است ساکت بمانند. عزتشان در سکوتشان است. اگر پرده ها بیفتد مردم خیلی چیزها را می فهمند" در همین جنگ و جدال جوانفکر ادامه میدهد و میگوید: "رییس جمهور با اژدهای منظره کند که چه؟ درست است رییس دولت با وزیر اطلاعاتش مناظره کند؟ آقای احمدی نژاد که نمی تواند حرف هایش را بزند... رییس جمهور سند رو نمی کند به خاطر منافع نظام..." او در بخش دیگری از صحبت هایش در مورد جریانات سال ۸۸ و موسوی و کروبی و غیره اظهار نظر میکند و میگوید "يك اتفاقی در کشور افتاد که نباید می افتاد، آقای موسوی يك رفتاری کرد که نباید می کرد، مقام معظم رهبری توصیه کردند و ایشان را فرا خواندند به رعایت مصالح کشور. رفتارهای تحریک آمیز آقای موسوی باعث شد يك عده به خیابانها بیایند و درگیری ایجاد کردند، در این درگیریها بسیاری از بچه های بسیجی و پلیس کتک خوردند و زخمی شدند. مگر نشدند؟ خب این اتفاق افتاد، طبیعی است که

سه خبر از اعتراضات کارگری در ایران

اعتراض خود تا رسیدن به حق و حقوق خود می باشند.

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری خرمشهر در مقابل فرمانداری و شهرداری این شهر

۷۰۰ تن از کارگران شهرداری خرمشهر روز شنبه ۲۸ آبان مقابل فرمانداری این شهر به خاطر ۶ ماه حقوق معوقه و ۷ ماه اضافه کاری معوقه دست به تجمع زدند. فرماندار این شهر در میان کارگران حاضر شد و به کارگران گفت بروید جلوی شهرداری من آنجا مشکل شما را با شهردار حل خواهم کرد. کارگران همه به مقابل شهرداری رفتند و تا ساعت ۲ بعد از ظهر تجمع اعتراضی خود را ادامه دادند اما فرماندار به وعده اش عمل نکرد. کارگران معترض از اینکه فرماندار آنها را سر کار

ادامه اعتراض کارگران شرکت مخابرات راه دور

در بین اخبار اعتراضات کارگری، این هفته هم شاهد خبر مربوط به اعتراض کارگران شرکت مخابرات راه دور شیراز در مقابل استانداری فارس بودیم. این کارگران در اعتراض به ۲۴ ماه حقوق معوقه و بلا تکلیفی در مقابل استانداری در فلکه ستاد شیراز دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران با سوت زدن بطور جمعی توجه عابرین و مسئولین را در استانداری به اعتراض خود جلب می کردند. بنابه خبر دیگری صبح روز شنبه ۲۸ آبان بیش از ۳۰۰ تن از این کارگران در مقابل این شرکت تجمع کردند. کارگران باز هم خواهان اجرای قانون بازنشستگی و همچنین ۲۴ ماه حقوق معوقه خود بودند. کارگران مصمم به ادامه تجمع و

گناشته خشمگینانه اعلام کردند که مجددا یکشنبه هم تجمع خود را ادامه خواهند داد.

کارگران کشتی سازی اروندان در این شرکت تعطیل شده تجمع کردند

علیرغم اینکه کشتی سازی اروندان قبلا تعطیل گردید اما روز شنبه ۲۸ آبان بیش از ۲۰۰ نفر از کارگران در این شرکت جمع شده و ضمن زدن کارت حضور و غیاب خواهان ۷ ماه حقوق معوقه و همچنین وارد کردن حق بیمه در دفترچه های بیمه خود شدند. این کارگران هفته گذشته نیز در مقابل فرمانداری تجمع کرده بودند و قبل از آن هم در اهواز مقابل استانداری تجمع کرده بودند.

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفا قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC

Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900

Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America

277 G Street, Blaine, Wa 98230

phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush

Account number : 99 - 41581083

wire: ABA routing # 026009593

swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23, account holder: WPI

, Bank: NatWest branch: Wood Green

81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345

NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتونید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبیل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰



محمد جراحی / شاهرخ زمانی / ساسان واهبی و ش / نیما پوریعقوب

عوارض خطرناکی که اعتصاب در این شرایط جسمانی به دنبال دارد، تلاش کردند تا او را از اعتصاب غذا منصرف کنند.

رضا شهابی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد است که از تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ بازداشت و بلا تکلیف در زندان اوین به سر می برد. او روز یکشنبه طی تماس تلفنی از زندان با خانواده اش خبر داده بود که روز یکشنبه ۲۹ آبان از زندان به بیمارستان شهید عراقی منتقل و بعد از معاینات، پزشکان متخصص اعلام کرده اند که باید تحت عمل جراحی قرار بگیرد. بدین ترتیب رضا شهابی در وضعیت جسمانی وخیمی بسر میبرد. جانان اسلامی در قبال جان رضا و سلامت او مسئولند. باید وسیعا به این جنایت آشکار جمهوری اسلامی در

معلمان در زندان است. کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۳۰ آبان ۱۳۹۰، ۲۱ نوامبر ۲۰۱۱

شهلا دانشفر

Shahla_daneshfar@yahoo.com

o.com

بهرام سروش

Bahram.Soroush@gmail.com

com

شاهرخ زمانی، محمد جراحی، نیما پوریعقوب و ساسان واهبی و ش و همه کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند. تهاجم به فعالین کارگری و صدور احکام سنگین زندان برای آنان باید با اعتراضی وسیع و گسترده پاسخ گیرد.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۳۰ آبان ۱۳۹۰، ۲۱ نوامبر ۲۰۱۱

شکست را نتیجه میگیرد. نگرش این چپ با توجه به محدودیت فکری و جنبشی آن متوجه نیست که در هر جامعه ای در نهایت جنبشهای اجتماعی پایداری هستند که تعیین کننده سیاست و فرهنگ اقتصاد جوامع میباشند. جوانان فیس بوکی و کارگران متشکل و غیر متشکل و زنان معترض و مدرن وهمچنین سنتی و همه الیت جامعه و مردم آزادخواه همگی در نهایت افق شان را از جنبشهای معینی میگیرند. جنبشهای سنت دار و پایدار جامعه مصر در یک بعد کلی عبارتند از اسلامیسیم، ناسیونالیسم و کمونیسیم. هر اتفاقی در آن جامعه بیفتد در نهایت یکی و یا ترکیبی از این جنبشها را به قدرت میرساند. در دل انقلاب هم هر کدام از این جنبشها سعی میکنند رنگ خودشان را به آن بزنند. کسی که نقش تعیین کننده جنبشها و به یک معنا نقش طبقات را فراموش میکند فقط ظاهر قضایا را میبیند افق اش از ژورنالیسم سطحی رسانه ها ی رسمی فراتر نمیرود. این هشدار برای کمونیستها در ایران هم هست.*

قیال رضا شهابی که سیاست این رژیم در قبال زندانیان سیاسی است، اعتراض کرد. وضعیت رضا شهابی اضطراری است. باید با اعتراضی گسترده خود نگذاریم که او ناگزیر به اعتصاب غذا و بدتر شد وضعیت جسمانی اش شود.

رضا شهابی باید فوراً از زندان آزاد شود. علاوه بر رضا شهابی، ابراهیم مددی از کارگران شرکت واحد، بهنام ابراهیم زاده عضو کمیته پیگیری، علی نجاتی عضو سندیکای نیشکر هفت تپه و رسول بدایعی عضو کانون صنفی

بیوک سیدلر را با وثیقه سی میلیون تومانی و محمد جراحی و نیما پوریعقوب را با وثیقه یکصد میلیون تومان از زندان آزاد کرد. همانطور که بارها تاکید کرده ایم، جمهوری اسلامی با صدور احکام سنگین برای کارگران و فعالین سیاسی در عرصه های مختلف سیاسی میخواهد سازمانیابی مبارزات مردم و رشد اعتراضات در جامعه را سد کند. باید وسیعا به این احکام جنایتکارانه اعتراض کنیم.

گفته شده است. اما بدون این افق و بدون این استراتژی در مراحل بعدی جریانات اسلامی و ناسیونالیستی امکان این را پیدا خواهند کرد که سر انقلاب را ببرند. این امر برای ما کمونیستهای کارگری در ایران به دلیل تجارب يك انقلاب شکست خورده و به دلیل گذر از محدودیتهای فکری و جنبشی چپ سنتی و حاشیه ای که رادیکالترینش در دوران انقلاب ۵۷ مشغول مبارزه صنفی در کارخانه بود و روح زمان خود را تشخیص نمیداد آشنا است. در انقلاب سال ۱۹۷۹ ایران بعد از تعیین تکلیف قدرت، جریانات اسلامی همه اپوزیسیون رادیکال و حتی رفرمیست را از دم تیغ گذراندند. این بخشی از تجارب تلخ ما مردم ایران است. اما منطقاً این تجارب برای کارگر و کمونیست مصری نه تاریخ گذشته که چالشهای آینده اش است.

در این میان جریانات چپ بویژه چپ ایران به دلیل افق و فرهنگ سنتی جان سختی که در سیاست آن لانه کرده است با دیدن توده چند ده هزار نفری در التحریر و یا خالی شدن این میادین از تظاهرات و تجمع بلا فاصله پیروزی و

جراحی و سید بیوک سیدلر، در ۱۸ خرداد ۱۳۹۰ بازداشت و بیش از یک ماه را در سلول های انفرادی گذرانده بودند. سپس این افراد در پنجشنبه ۲۷ مرداد در شعبه يك دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی در شهر تبریز، محاکمه شدند. با گذشت حدود دو ماهی شاهرخ زمانی بعد از ۱۳۰ روز زندان در ۲۷ مهر با وثیقه ۲۰۰ میلیون تومان از زندان آزاد شد. و رژیم اسلامی ساسان واهبی و ش و سید

وظیفه چپ و کمونیسیم امروز این نیست که با زیر و بم اعتراضات خیابانی پارامتر روجیه اش بالا و پایین برود. کمونیسیم کارگری باید با هر نیرو و قدرتی که امروز دارد برای قدرت گیری خود استراتژی سیاسی کسب قدرت و افق آینده را بدون کم و کاست جلو جامعه قرار بدهد. قدرت گیری چپ، سکولاریسم و کمونیسیم کارگری راهی بجز ادامه انقلاب و در هم شکستن ماشین دولتی ندارد. همزمان با ادامه انقلاب باید با استقرار شوراهای کارگران و مردم در محل کار و زیست، مرحله اول اعمال قدرت دوگانه را تحمیل کند و در نهایت با کسب تمام قدرت در جامعه، از حرمت و حقوق انسانی مردم به تما معنا دفاع کند. این راهی است که کمونیسیم امروز در مصر با اتکا به جنبش کارگری و دیگر کانونهای قدرتگیری خود یعنی سازمان دادن جوانان و زنان و همه اقشار تحت ستم جامعه باید در پیش گیرد.

معلوم است که استراتژی کسب قدرت در يك جامعه انقلابی بسیار پیچیده تر و چند وجهی تر از این نکات

اطلاعیه شماره ۱۳:

دادگاه تجدید نظر جمهوری اسلامی در تبریز در تصمیمی جنایتکارانه احکام صادر شده برای فعالین کارگری و دانشجویی تبریز را تایید کرد

و مورد جراحی قرار گیرد. از سوی پزشکان رضا شهابی طول مدت درمان برای این عمل حدود ۶ ماه اعلام شده است. رضا شهابی در تماسی با خانواده خود گفته است: "دیگر توان تحمل این بلا تکلیفی را ندارم و با توجه به وضعیت وخیم جسمانی و درد شدید در ناحیهی ستون فقرات، کمر، گردن و دست و مشکلات کلیه و قلب، اگر به سرعت به وضعیت من رسیدگی نشود از ابتدای آذرماه دست به اعتصاب غذا خواهم زد و تا روشن شدن تکلیفام به آن ادامه خواهم داد." خانواده و آشنایان رضا با توجه به وضعیت وخیم وی و

بنا به خبر منتشر شده از سوی سندیکای شرکت واحد رضا شهابی روز یکشنبه ۲۹ آبان به کلینیک شهید عراقی اعزام شد و دکتر پیمان گودرزی پس از معاینه و دیدن ام.آر.آی که بیشتر از او گرفته شده بود، اعلام کرد که غضروف مابین مهرهای ۳، ۴، ۵، ۶ و ۷ ستون فقرات او از بین رفته و این مهرها بر روی عصب فشار وارد میکنند و احتمال پاره شدن اعصاب و در نتیجه از کار افتادن دست و پای چپ رضا بسیار زیاد است. بر همین اساس دکتر دستور داده است تا او به صورت ارضائی در بیمارستان بقیقلانته بستری



اطلاعیه شماره ۱۴: وضعیت جسمی رضا شهابی وخیم است

رضا شهابی باید فوراً از زندان آزاد شود

زمان به ۱۱ سال، محمد جراحی به ۵ سال، نیما پوریعقوب به ۶ سال و ساسان واهبی و ش به ۶ ماه حبس تعزیری محکوم شد. در اطلاعیه های قبلی گزارش کرده بودیم که شاهرخ زمانی، نیما پوریعقوب، ساسان واهبی و ش، محمد

بنا بر اخبار منتشر شده شعبه ۶ دادگاه تجدید نظر جمهوری اسلامی طی تصمیمی جنایتکارانه احکام صادره توسط شعبه یکم دادگاه انقلاب اسلامی در شهر تبریز برای فعالان کارگری و دانشجویی تبریز را مورد تایید قرار داد. بدین ترتیب شاهرخ

از صفحه ۱۲

غیر نظامیان حرف میزنند! این خواست از سوی معترضین و مردم میتواند يك تاکتیک درست باشد، به شرطی که استراتژی در هم شکست کل دستگاه دیکتاتوری و آلترناتیو خود یعنی حاکمیت شوراهاى مردم را در افق داشته باشد. بدون این استراتژی و بدون دخالت سازمان یافته طبقه کارگر در کارخانه و مردم در محل زیست و کار، انقلاب مردم مصر برای آزادی و علیه فقرنمی تواند به پیروز منجر شود.

نگاهها بسوی میدان التحریر است. در این گوشه از جهان قرار است تکلیف انقلابی روشن شود که میتواند در کشورهای عربی و در بهار عرب و حتی در جهان تاثیر تعیین کننده داشته باشد. مردم انقلابی مصر راه نشان میدهند، می جنگند و پیش میروند و وظیفه رهبران و چپ در آن جامعه اینست که یکقدم جلوتر را دیده و راه پیروزی بیشتر و بویژه راه قدرت گرفتن و نقش بازی کردن در قدرت سیاسی را به مردم نشان بدهد.

انقلاب مصر و ...

انقلاب دوم در مصر یا ادامه انقلاب؟

خوشبختانه مردم و جوانان به پا خاسته باز هم به میدان آمده اند. انقلاب میتواند پیشروی کند و تعمیق پیدا کند.

انقلاب دوم یا ادامه انقلاب، هر اسمی روی این فاز تازه به میدان آمدن مردم مصر گذاشته شود، در عمل يك اتفاق مهم می افتد. انقلاب در فاز اول مبارک را ساقط کرد، اینبار حکومت نظامیها به رهبری طنطاوی را به چالش طلبیده است. به هر حال موضوع این است که میدان التحریر يك بار دیگر قد علم کرده است و حاکمان فعلی مصر را با تشمت و سردرگمی مواجه کرده است. باز هم صفحه تلویزیونها و رسانه های رسمی و اجتماعی را جنگ و گریز خیابانی مردم انقلابی علیه نیروهای مسلح مصر اشغال کرده است.

در این دوره اگر چه حرف مردم حاضر در التحریر اینست که نظامیان باید بروند، اما رسانه های بین المللی از خواست تحویل قدرت نظامیان به

انقلاب مصر و چالشهای پیش رو



محمد آسنگران

با شروع انقلاب در مصر دول غرب و آمریکا از سیاستهای مبارک برای سرکوب انقلاب حمایت کردند. در اجرای این سیاست با سد محکم مبارزات مردم مواجه شدند و عقب نشستند. هنگامیکه متوجه عمق و ابعاد نارضایتی مردم شدند و به این نتیجه رسیدند که نمیتوانند آنرا شکست بدهند راه چاره را در این دیدند که انقلاب را مهار کنند. برای مهار انقلاب مدیریت این بحران سیاسی را با اتکا به هدایت ارتش و نیروهای نظامی به پیش بردند.

با توجه به نفوذی که آمریکا در ارتش مصر داشت این ارگان سرکوبگر و ستون اصلی حفظ نظام سرمایه داری در مصر را متقاعد کردند که نباید در این مرحله هدف خود را حفظ مبارک تعریف کند. بر این اساس ارتش خود را حامی انقلاب و مایل به رفتن مبارک نشان داد. اجرای این سیاست باعث ایجاد تهماتی در میان افسار از مردم شد. گویا موضعگیری نیروهای مسلح و ارتش، باعث شد که انقلاب سریعتر از آنچه تصور میشد بتواند مبارک را از قدرت ساقط کند. اگر چه واقعیتی در این ارزیابی هست، اما ناروشنی ها و همین موضوع باعث ایجاد توهم دردناکی علیه انقلاب مردم شد. بخشی از فعالین و مردم مصر به این نتیجه رسیدند که: "ملت و ارتش دست به دست هم داده و یکجا در برابر رژیم مبارک ایستاده اند" به همین دلیل ارتش در میان بخشی از مردم مصر قابل تحمل و بعضا معتبر شد. در این فضای انقلابی که مردم در اوج قدرت خود بسر میبردند، توهم خطرناکی ایجاد گردید. در این فضای وهم آلود بود که ارتش قدرت را بعد از مبارک در دست گرفت. مردم انقلاب کرده دیکتاتور را انداختند اما قدرت را نگرفتند. دستگاه دیکتاتوری همچنان قدرت را در دستان خود نگاهداشت. "شورای عالی نظامی" متشکل از

فرماندهان ارتش پس از بدست گرفتن قدرت، اعلام کرد که بیش از شش ماه در قدرت نخواهد ماند. اما پس از گذشت نزدیک به ده ماه پس از سرنگونی مبارک، فرماندهان نظامی مصر نه تنها قدرت را در دستان خود حفظ کرده بلکه قدم به قدم در راستای تحکیم موقعیت ارتش کام برداشتند. در این مدت مردم به تجربه دیدند که بجز رفتن مبارک و تعدادی از وزیران او، تغییر قابل ملاحظه ای در کشور رخ نداده است. انگار انقلابی رخ نداده است. گویا انقلاب مردم قرار بود موقعیت نظامیان را در قدرت تحکیم کند!؟

واقعیت این بود که با رفتن مبارک ساختار قدرت تغییر چندانی نکرد. حاکمان مصر، و ارتش و نیروهای مسلح و دیگر نیروهای امنیتی و زندان و دادگاه و قوانین با همان ذهنیت و طرز تفکر رژیم قبلی با مردم به مقابله پرداختند. نیروهای امنیتی و پلیس که در جریان انقلاب منتظر تعرض مردم و در هم شکستن کل دم و دستگاه دولت بودند، بعد از مدت کوتاهی به همان روشهای دوران مبارک رجعت کردند. برخوردشان با مردم معترض تفاوتی ماهوی با دستگاه امنیتی دوران حاکمیت مبارک نداشت. انگار تحول عمده ای در جامعه رخ نداده است که عملکرد پلیس را دچار تغییر کند. در آخرین درگیری مردم با نیروهای مسلح در میدان التحرير در روز شنبه ۲۰ نوامبر یکی از نیروهای مسلح که رو به مردم معترض شلیک میکرد، این چنین مورد تشویق همکار بغل دستیش قرار گرفت: "دستت درد نکند درست به چشم او شلیک کردید. کار آن یکی تمام است." این گفگو بوسیله خبرنگاران ضبط و منتشر شد.

علاوه بر این جالب است که به پرونده مبارک و دستیاران او دادگاههای غیر نظامی رسیدگی می کنند، اما غیرنظامیان معترض مثل دوران مبارک در دادگاههای نظامی محاکمه می شوند! در چنین شرایطی است که جوانان فعال در انقلاب و ویلاگنویسان به چندین سال زندان محکوم میشوند و قاتلین مردم و شلیک کنندگان بسوی مردم و جنایتکاران و شکنجه گران و ... راحت و وظایفشان را انجام میدهند. ژنرال محمد حسین طنطاوی رئیس شورای عالی نظامی وقتی به عنوان شاهد در دادگاه محاکمه مبارک حاضر

میشود حتی او را به قتل تظاهر کنندگان متهم نمیکند و طبعاً در مورد سی و سه سال جنایت مبارک هم حرف زیادی زده نمیشود.

به منظور تکمیل نفوذ ارتش در ساختار قدرت مصر سند مصوب ارتش مبنی بر اصول تعیین کننده قانون اساسی یا "وثیقه المبادئ الدستوری" ابلاغ شد. قرار است در چهارچوب این سند قانون اساسی آینده مصر بوسیله شورای تدوین قانون اساسی جدید تکمیل و برای تصویب به پارلمان آتی این کشور تسلیم شود.

در بند ۹ این سند قید شده است: "رسیدگی به مسایل مرتبط به نیروهای مسلح و بررسی موضوع بودجه آن تنها و تنها مسئولیت خود ارتش است، و در بودجه عمومی دولت، تنها رقم اجمالی بودجه ارتش ذکر شود. همچنین هر قانونی که در مورد ارتش صادر می شود، باید قبلاً به توافق ارتش رسیده باشد. این سند همچنین با صراحت اعلام کرده است که تنها ۲۰ تن از اعضای شورای تدوین قانون اساسی از میان اعضا پارلمان انتخاب می شوند و ۸۰ تن دیگر را شورای نظامی خارج از پارلمان تعیین می کند." این موارد بالا تنها نمونه هایی از تلاش ارتش به منظور تحکیم حاکمیت نظامیان در این کشور بعد از انقلاب است.

اکنون با آغاز دوباره به میدان آمدن مردم در مصر میدان بازی و شیب زمین در دوره های انقلابی به نفع چپ و سکولاریسم است. اما جنبش کمونیستی و چپ در این جوامع فقط هنگامی میتواند به پیروزی برسد که آلترناتیو حکومتی قابل اعتمادی به جامعه معرفی کنند.

چپ و بویژه کمونیستها باید دست بردن به قدرت سیاسی و دخالت در سطح ماکرو را وظیفه همین امروز خود بدانند و از نقش اپوزیسیون به اپوزیسیون نقل مکان کنند. آخرین اخبار حاکی است که بخشی از چپها حتی در این اوضاع برنامه شرکت در انتخابات و یا دخالت در جنگ و جدال بر سر قدرت سیاسی را ندارند. اما کمونیستهای انقلابی و کارگری راهی بجز ادامه انقلاب برای پیروزی ندارند. بدون دخالت فعال چپ، بدون وجود اشتباهی کمونیستها برای ایفای نقش در ابعاد ماکرو و بدون مهیا شدن این شرایط در بهترین حالت جامعه ناچار

یاد شمسی طاهری همیشه عزیز و گرامی باد!



زندگی عشق می ورزید. شمسی الگوی تلاش و امید برای برپا کردن یک دنیای بهتر و انسانی بود و زندگی پرشورش ایده ها و آرمانهای والای انسانی او را مجسم می کرد.

در گذشت شمسی طاهری عزیز را به خانواده و بستگانش از صمیم قلب تسلیت می گوئیم و خود را در غم آنها شریک می دانیم. یاد شمسی طاهری همیشه عزیز و گرامی باد!

از طرف شماری از دوستان و نزدیکانش
۲۵ نوامبر ۲۰۱۱

با تاسف فراوان به اطلاع می رسانیم که شمسی طاهری مبارک و کمونیست دوست داشتنی صبح روز ۲۳ نوامبر ۲۰۱۱ در اثر یک بیماری بطور ناگهانی در بیمارستان شهر مالمو در جنوب سوئد درگذشت.

شمسی طاهری در انقلاب مردم ایران علیه رژیم سلطنتی فعالانه شرکت داشت و در جریان این انقلاب مورد اصابت گلوله نیروهای سرکوبگر رژیم شاه قرار گرفت و از گردن به پایین فلج شد. وی علیرغم اینکه نیمی از عمر خود را بر روی صندلی چرخ دار گذراند ولی با شور و صف ناپذیری زندگی می کرد و به

است با تحمیل اصلاحاتی ناپایدار به حاکمیت یک نوع ناسیونالیسم عبری با رنگ و لعاب اسلامی تن بدهد. اما مانع اصلی برای پیشروی همین امروز کمونیسم و چپ و سکولاریسم در جامعه ای مثل مصر وجود و حفظ ارکان دیکتاتوری در مصر است. بنابراین ادامه انقلاب از راه در هم شکستن ماشین دولتی و کل میراث مبارک میگذرد. تا هنگامیکه ارتش و دم و دستگاه سرکوبگر دولتی سر جای خود قرار دارد و فقط مبارک رفته باشد و ارکانهای حکومت در هم

صفحه ۱۱

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهاب دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!